



برنامه سوم و کارنامه سال‌هایی که گذشت

برنامه سوم

- تجارت خارجی در دو برنامه گذشته
- سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نگاهی به پشت سر
- ارزیابی آموزش عالی در برنامه‌های اول و دوم
- جایگاه و کارکرد تحقیقات در برنامه‌های اول و دوم
- کارنامه سیاست‌های اشتغال‌زایی در دو برنامه گذشته
- صادرات و رشد اقتصادی، پیوندهای ناپیوسته



شروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدخل

لایحه برنامه سوم از راه رسید و در دستور کار مجلس قرار گرفت. لایحه برنامه سوم از چند جهت متفاوت با لوایح برنامه اول و دوم است. هم به لحاظ ساختار، از قالب و چارچوب یک برنامه تبعیت نمی‌کند و همنا از یک چشم‌انداز قابل لمس، خالی است. با این حال مجموعه‌ای است که می‌تواند به عنوان قدم‌هایی در جهت رفع مشکلات دولت برای ساماندهی اقتصاد کشور تلقی گردد. مجلس و پژوهش در چند شماره به لایحه برنامه سوم خواهد پرداخت. در شماره حاضر رویکرد ارزیابی برنامه دوم انتخاب شده و کارکرد بخش‌های مهم مورد بررسی قرار گرفته است. در آخرین مقاله نیز یک دیدگاه انتقادی جدید در مورد کارکرد صادرات و جهانی شدن مطرح شده است. خوانندگان گرامی می‌توانند گزارش‌های روزآمد مرکز پژوهش‌ها در مورد برنامه سوم را بر روی شبکه خانه ملت ملاحظه نمایند.

■ تجارت خارجی در دو برنامه گذشته

دفتر بررسی‌های اقتصادی

مقدمه

در تئوری‌های اولیه اقتصاد بین الملل نظیر تئوری کلاسیک‌ها، آزادی تجارت خارجی بدون هیچ قید و شرطی حمایت می‌شد، درحالی که تئوری‌های بعدی از جمله تئوری «فردریک لیست» با تأکید بر شرایط خاصی که برخی کشورها داشته‌اند یا طرح ملاحظاتی در اقتصاد بین الملل، محدودیت تجارت آزاد را توجیه نمود. بدیهی است

امروزه تجارت بین الملل به صورت کاملاً آزاد در هیچ کشوری وجود ندارد ولی گرایش کشورها به تجارت آزاد یا محدودسازی آن می‌تواند منشأ سیاست‌های متفاوتی باشد.

نکته حائز اهمیت این که تحقیق حاضر بر مبنای تئوری‌های محض تجارت بین الملل شکل نگرفته بلکه با توجه به مبنای اقتصاد توسعه مطرح می‌شود. چرا که سطح

توسعه به عنوان یک عامل اساسی مجموعه شرایطی را بر کشورها تحمیل می‌نماید که استراتژی‌های تجاری آنها را به طور اساسی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در کشورهای در حال توسعه به سبب وجود ویژگی‌های خاصی که دارند، ضرورت‌ها و اجبارهایی شکل می‌گیرد که این کشورها را به سمت اتخاذ استراتژی‌های تجاری خاصی رهنمون می‌کند. در این تحقیق ضمن تشریح وضعیت کلی کشورهای در حال توسعه به لحاظ شرایط تجارت بین‌المللی و تشریح استراتژی‌های تجاری آنها، ضمن مرور تجربه سایر کشورها، تجارت خارجی کشور به لحاظ نوع استراتژی تجاری حاکم بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا لازم است که مروری بر اهداف و خط‌مشی‌های بخش تجارت خارجی داشته باشیم و به علاوه عملکرد بخش تجارت خارجی را مورد بررسی قرار دهیم. همچنین ضمن تحلیل عملکرد دو برنامه توسعه بعد از انقلاب، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تجارت خارجی را در کنار آن قرار دهیم. قطعاً نمی‌توان در این تحقیق به صورت دقیق مشخص نمود که چه مقدار از عدم توفیق‌ها به علت انتخاب استراتژی غلط یا چه قدر مرتبط با اشتباه بودن یا بد اجرا شدن یک خط‌مشی خاص است. اما در چارچوب بررسی‌ها قطعاً می‌توانیم مشکلات موجود بخش تجارت خارجی را مشخص نماییم.

بدیهی است استراتژی‌های آتی و خط‌مشی‌های لازم جهت تحقق اهداف بخش تجارت خارجی می‌تواند با لحاظ این مشکلات و پیشنهادهای ارائه شده در این تحقیق از کارایی بیشتری برخوردار شود.

۱- کشورهای در حال توسعه و استراتژی‌های تجاری

از جمله خصوصیات کشورهای در حال توسعه وابستگی شدیدی است که به کشورهای پیشرفته دارند. اکثر صادرات کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته انجام می‌شود و اکثر واردات آنها نیز از کشورهای توسعه یافته تأمین می‌شود.

خصوصیت دیگر تجارت این کشورها این است که کالاهای صادراتی آنها عمدتاً مواد اولیه و محصولات مانند: کالاهای کشاورزی، مواد خام و سوخت را شامل می‌شود. کالاهای صنعتی صادر شده توسط این کشورها عمدتاً کاربر بوده و از سطح تکنولوژی پایینی برخوردار است و اساساً ارزش محصولات صنعتی تولید شده به وسیله کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته بسیار ناچیز است.

به لحاظ ویژگی‌های فوق، حجم صادرات کشورهای در حال توسعه ناچیز می‌باشد، البته تعدادی از کشورهای تازه صنعتی شده از قبیل کره جنوبی و هنگ‌کنگ از چنین توفیقی برخوردار بوده‌اند. به علاوه



سیاسی بیشتری دارد. اما به لحاظ عملکرد اقتصادی چنین نیست. البته تجربه برخی کشورها نشان داده است که طی دوره‌هایی که این نوع سیاست را اتخاذ نموده‌اند از موفقیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

در طول دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استراتژی جایگزینی واردات توسط کشورهای زیادی از قبیل آرژانتین، برزیل و مکزیک اتخاذ گردید. این سیاست، واردات کالاهای کارخانه‌ای را محدود و بازار داخلی را برای فعالیت تولیدکنندگان داخلی آماده ساخت. فواید سیاست جایگزینی واردات برای کشورهایمانند آرژانتین و برزیل این بود که توانستند تغییراتی را در ساختار و ماهیت تجاری خود به وجود آورند و همچنین با اتخاذ این سیاست، نسبت واردات به کل تجارت خود را کاهش دهند.

لازم به ذکر است که سیاست جایگزینی واردات روش ساده‌ای برای صنعتی شدن نیست چرا که اولاً، وابستگی کشورهای در حال توسعه به محصولات صنعتی خارجی زیاد است و محصولات مذکور نهادهای مناسبی برای صنایع داخلی این کشورها هستند. ثانیاً، هزینه سیاست جایگزینی واردات نیز زیاد است، چرا که صنایع داخلی را از حالت رقابت خارج می‌کند.

به دلیل مشکلاتی که اتخاذ سیاست جایگزینی واردات ایجاد می‌نمود، کشورهای در حال توسعه به مرور نسبت به پیامدهای این سیاست بدبین گردیدند و این

نقش کشورهای در حال توسعه به عنوان تولیدکنندگان محصولات اولیه باعث گردیده است که صادرات آنها بی‌ثبات و رابطه مبادله به ضرر آنها تغییر نماید و همچنین از درآمد صادراتی بی‌ثبات و نازلی برخوردار شوند. این کشورها در جهت رفع مشکلات موجود در بخش تجارت بین‌المللی و تثبیت قیمت کالاها و درآمد صادراتی می‌توانند روش‌هایی را اتخاذ نمایند. از جمله این روش‌ها کنترل صادرات، ذخیره اتکایی، قراردادهای چند منظوره و موافقت کالایی را می‌توان نام برد. علاوه بر تلاش‌هایی که برای تثبیت قیمت کالاها و درآمد صادراتی از طریق روش‌های فوق‌الذکر انجام می‌شود، استراتژی جایگزینی واردات^۱ و تشویق صادرات^۲ نیز به وسیله کشورهای در حال توسعه مورد استفاده واقع می‌شود. همچنین این کشورها سعی می‌کنند تا امتیازاتی را از کشورهای پیشرفته کسب نمایند.

عنوان جانشینی واردات به طور خلاصه به عنوان سیاستی تلقی می‌شود که تلاش دارد تولیدات داخلی را جانشین کالاهای وارداتی نماید و تشویق صادرات به معنای جانشین کردن صادرات کشور به جای تولیدات داخلی دیگر کشورها می‌باشد.

استراتژی جانشینی واردات به لحاظ این که دارای سابقه طولانی‌تری است، شناخته شده‌تر می‌باشد و چون اغلب کشورهای تازه به استقلال رسیده یا کشورهایی که از انقلاب‌های آزادیبخش موفق بیرون آمده‌اند این سیاست را در پیش گرفته‌اند، جاذبه

1. Import Substitution.
2. Export Promotion.

برنامه‌های توسعه

در آن مزیت نسبی دارند تشخیص دهند و در جهت توسعه صادرات آن کالاها اقدام نمایند.

تجربه ۱۰ کشور برزیل، شیلی، کلمبیا، اندونزی، ساحل عاج، کره جنوبی، پاکستان، تایلند، تونس و اروگوئه به لحاظ نوع استراتژی تجاری و میزان رشد اقتصادی آنها در طی دوره‌های متعددی در جدول شماره ۱ آمده است.

امر موجب شد تا این کشورها به سیاست تشویق صادرات- که یک استراتژی صنعتی شدن هم محسوب می‌شود- روی آورند.

در مقایسه با سیاست جایگزینی واردات، تشویق صادرات، سیاستی در جهت توسعه بازار است. چرا که تأکید بیشتری بر محرک‌های قیمتی و اصل رقابت جهت تخصیص منابع دارد. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند تا صنایعی را که

جدول ۱- سهم ارزش صادرات کالا و خدمات در تولید ناخالص داخلی

(واحد: میلیارد ریال)

طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵

سال	تولید ناخالص داخلی		کل صادرات		سهم از کل GDP		صادرات غیر نفتی (درصد)	
	قیمت ثابت ۱۳۶۱=۱۰۰	قیمت جاری	قیمت ثابت ۱۳۶۱=۱۰۰	قیمت جاری	قیمت ثابت ۱۳۶۱=۱۰۰	قیمت جاری	سهم از کل GDP	قیمت جاری
۱۳۶۷	۹۴۵۱	۲۲۱۸۸	۱۷۲۵	۱۵۱۴	۱۸	۷	۰/۸	۱۸۲
۱۳۶۸	۹۷۹۷	۲۷۵۷۵	۱۸۶۶	۲۷۷۳	۱۹	۱۰	۰/۸	۲۳۰
۱۳۶۹	۱۰۹۹۸	۳۶۳۸۱	۲۲۵۳	۵۳۹۵	۲۰	۱۵	۱/۱	۳۹۴
۱۳۷۰	۱۲۳۳۸	۵۰۵۷۰	۲۵۲۹	۷۴۳۹	۲۰	۱۵	۲/۴	۱۱۹۸
۱۳۷۱	۱۲۹۸۶	۶۶۳۹۶	۲۷۱۸	۹۸۶۴	۲۱	۱۵	۳	۱۹۲۳
۱۳۷۲	۱۳۰۷۱	۹۳۵۱۸	۳۱۵۵	۲۲۶۱۷	۲۴	۲۴	۵	۴۶۵۹
۱۳۷۳	۱۳۳۸۱	۱۲۳۵۱	۳۱۹۶	۳۱۹۰۹	۲۴	۲۶	۶/۴	۷۹۱۴
۱۳۷۴	۱۳۸۸۴	۱۸۰۸۰۰	۲۵۶۵	۳۶۶۲۳	۱۸	۲۰	۳/۶	۶۴۸۶
۱۳۷۵	۱۶۰۴۲	۲۳۹۰۵۴	۲۸۸۳	۴۳۸۲۸	۱۸	۱۸	۲/۶	۶۱۰۷

مأخذ: ۱- ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۲.

۲- آمار سال ۱۳۷۵ از مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، تیر ۱۳۷۶.

جدول ۲- پیش‌بینی‌های مربوط به بازرگانی خارجی طی برنامه دوم توسعه (میلیارد دلار)

شرح	نرخ رشد ۱۳۷۳-۱۳۷۸ (درصد)	جمع دوره
واردات	۴/۳	۹۱,۹۷۹
صادرات غیر نفتی	۸/۴	۲۷,۵۲۷
صادرات نفتی	۳/۴	۷۰,۶۵۸

منبع: قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

جایگزینی واردات مناسب‌تر بوده و رشد اقتصادی بالاتری را نسبت به سیاست جایگزینی واردات فراهم نموده است. اما به طور کلی تجربه کشورها حاکی از توفیق بیشتر سیاست تشویق صادرات و در رتبه دوم سیاست جایگزینی واردات معتدل است.^۲

مسروزی بر وضعیت اخیر بازرگانی خارجی کشورهای در حال توسعه نیز حاکی از به کارگیری ابزارهای سیاسی متفاوتی است که در مدیریت بخش تجاری خود به کار گرفته‌اند. این موارد شامل مشوق‌ها یا یارانه‌هایی است که برای تشویق صادرات، کنترل واردات از طریق موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، محدودیت ورود و عمل نهادهای مالی خارجی، تنظیم کنترل ارز و محدودیت ورود و خروج وجوه می‌باشد. اکثر کشورهای در حال

در کشور برزیل طی دوره (۱۹۵۵-۱۹۶۰) و (۱۹۶۰-۱۹۶۵) سیاست جایگزینی واردات اعمال گردید و نرخ رشد متوسط سالانه اقتصادی از ۶/۹ درصد به ۴/۲ درصد کاهش یافت. ولی در دوره (۱۹۶۵-۱۹۷۰) و دوره (۱۹۷۰-۱۹۷۶) اتخاذ سیاست تشویق صادرات موجب افزایش چشمگیر صادرات شد و رشد اقتصادی رانیز از رقم ۷/۶ درصد به ۱۰/۶ درصد افزایش داد. در مورد سایر کشورها نیز چنانچه ملاحظه می‌شود، در هر دوره‌ای که سیاست تشویق صادرات اعمال گردید، رشد اقتصادی بالاتری حاصل شده است. البته در برخی دوره‌ها سیاست جایگزینی واردات معتدل^۱ اعمال می‌شده است. به طور نمونه در دوره (۱۹۶۵-۱۹۷۳) در اندونزی، دوره (۱۹۸۰-۱۹۷۰) و (۱۹۷۰-۱۹۷۶) در تایلند و در دوره (۱۹۷۰-۱۹۷۶) در تونس سیاست جایگزینی واردات معتدل اعمال گردید، که نتایج این نوع سیاست نسبت به

1. Moderate Import Substitution.
2. Carbaugh. "International Economics", 1992.

سال ۱۹۹۷ بنگلادش نیز حداکثر نرخ تعرفه خود را به ۴۵ درصد کاهش داد؛ در حالی که نرخ مذکور در سال ۱۹۹۰ بیش از ۱۰۰ درصد بود.

جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز آزادسازی تجاری و برخی اصلاحات اساسی را انجام داده‌اند. ارمنستان در دسامبر ۱۹۹۵ ساختار تعرفه‌ای با پنج کالای تحریم شده را به سیستمی مشتمل بر تحریم دو کالا با نرخ‌های صفر و ۱۰ درصد تغییر داد. در قزاقستان تا ژانویه سال ۱۹۹۷ نرخ متوسط عوارض گمرکی واردات به ۱۲ درصد کاهش یافته بود. در قرقیزستان تعرفه واردات بر کالاهای خارج از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به نرخ واحد ۱۰ درصد وضع می‌شود. تاجیکستان نیز اخیراً ساختار تعرفه وارداتی خود را با نرخ‌هایی از صفر تا ۲۵ درصد تعیین نموده است.^۱

بنابراین مدتی است که روند آزادسازی تجاری در کشورهای آسیایی آغاز شده و کشورهای متعددی به این جریان پیوسته‌اند. در این میان جمهوری اسلامی ایران از وضعیت خاصی برخوردار است. هشت سال جنگ تحمیلی و سپس برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله مواردی است که به پایان رسیده و چهارمین سال از برنامه دوم نیز رویه پایان

توسعه از جمله کشورهایی که در منطقه آسیا و اقیانوسیه هستند؛ از اواسط دهه ۱۹۸۰ به آزادسازی تجاری، سرمایه‌گذاری و جریان‌های مالی روی آورده‌اند.

اکثر کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا اصلاح تعرفه‌ها را در دهه ۱۹۸۰ به اجرا گذاشتند. در اندونزی بیش از ۹۵ درصد از اقلام تعرفه‌ای محدودیت مقداری ندارند. متوسط نرخ‌های تعرفه مالزی کمتر از ۱۰ درصد و جمهوری کره کمتر از ۸ درصد است. تایلند نرخ‌های فزاینده تعرفه را به سه نرخ استاندارد شده ۵، ۱۰ و ۲۰ درصد تقلیل داده است. در سال ۱۹۹۷، چین نیز متوسط نرخ تعرفه خود را از ۲۳ درصد به ۱۷ درصد کاهش داد. به علاوه آزادسازی را در چارچوب فعالیت‌های WTO، APEC و ASEAN به حرکت درآورده است.

کشورهای آسیای جنوبی عموماً روند آزادسازی تجاری خود را در دهه ۱۹۹۰ تسریع نمودند. برای مثال هند هند تغییرات عمده‌ای را در ساختار تعرفه و چارچوب تجارت خارجی، آغاز نموده است. با این اقدامات حداکثر نرخ تعرفه واردات را از ۱۵۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش داد. شواهد حاکی از آن است که هند تحریم واردات تعداد زیادی از کالاها را تا ۵ سال آینده حذف خواهد نمود. پاکستان نیز حداکثر نرخ تعرفه را از ۹۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش داد. به طور مشابه در

1. Economic and Social Survey of Asia and the Pacific, United Nations, New York: 1998, PP. 77-78.



کشور دارد. از این رو مروری بر خط مشی‌های تجاری ارائه شده برای تحقق هدف فوق که در برنامه اول آمده است، می‌تواند جهت‌گیری تجاری اقتصاد کشور را در طی برنامه اول روشن نماید.

هدف‌های کیفی که در زمینه صادرات در این برنامه در نظر گرفته شده است را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

- ۱- کمک به تقویت بنیه اقتصادی کشور؛
- ۲- کمک به افزایش ارزش افزوده کالاهای صادراتی؛
- ۳- کمک به بهبود کیفیت کالاهای صادراتی؛
- ۴- کمک به نوسازی صنایع کشور؛
- ۵- کمک به توسعه صادرات صنعتی.

در خصوص واردات نیز اهداف کیفی زیر مدنظر قرار گرفت:

- ۱- اصلاح ترکیب و ساختار واردات در راستای تحقق اهداف برنامه؛
- ۲- تأمین به موقع نیازهای وارداتی کشور در راستای اهداف برنامه؛
- ۳- بهبود رابطه مبادله تجارت خارجی کشور؛

- ۴- تلاش در جهت ایجاد توازن مطلوب‌تر در تراز بازرگانی خارجی کشور؛
- ۵- اصلاح مقررات عمومی صادرات و واردات و بهبود روش‌های کنترل و اجرا^۱.

خط و مشی‌های حصول به این اهداف در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی،

است. بدیهی است در فضایی که اقتصاد جهانی آزادسازی تجاری را در پیش گرفته و هم‌زمان در اقتصاد داخلی با کاهش درآمد‌های نفتی مواجه هستیم، توسعه صادرات غیرنفتی ضرورتی انکارناپذیر است و در این راستا تنظیم استراتژی‌ها و سیاست‌های مناسب تجارت خارجی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. مطالعه حاضر کمکی به اتخاذ چنین تصمیماتی است. در این گزارش تجربه برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را در حد اطلاعات موجود و فرصت محدود به تصویر کشیده شده است. اهداف، خط مشی‌ها، سیاست‌ها، عملکرد دو برنامه و تحلیل آن و در نهایت ارائه پیشنهادها از جمله مواردی است که در این گزارش به آن پرداخته خواهد شد.

۲- استراتژی تجاری در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اهداف کلی خود را در ۱۰ بند ارائه نمود. بند چهارم از اهداف مذکور بر «ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خودکفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم» توجه داشته است. این بخش از هدف‌های کلی در واقع بیشترین ارتباط را با بخش تجارت خارجی

۱. سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، بخش هشتم، صفحات ۱۲-۱۶.

همچنین در این برنامه تدابیر دیگری نیز برای تشویق صادرات پیش‌بینی شده بود که از جمله تدابیر مذکور می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- ایجاد امکانات و تسهیلات صادراتی، اعم از گمرکی، بانکی، دفتر استاندارد و... در استان‌های مرزی؛

۲- ایجاد صندوق ضمانتی که وابسته به مرکز توسعه صادرات باشد؛

۳- ایجاد چهارپایانه جدید صادراتی در مبادی خروجی کالا (مهرآباد، جنوب تهران، بازرگان و بندرعباس)؛

۴- ایجاد تسهیلات مالی ارزان با نرخ کارمزد پایین به تولیدکنندگان جهت تهیه، تولید و صدور کالاهای صادراتی؛^۲

۵- درصد معینی از تولیدات کالاهای غیرضروری صنعتی که ارز حاصل از صدور آن بیشتر از هزینه‌های ارزی مستقیم و غیرمستقیم برای تولید آنهاست با توجه به ضوابط برای صادرات اختصاص خواهد یافت ولو آن که کل تولیدات در داخل قابل مصرف باشد.

همچنین در تبصره ۱۸ قانون برنامه اول مقرر گردید که «به منظور توسعه و تشویق صادرات کالاهای ساخته شده داخلی، ورود مواد اولیه، قطعات و تجهیزات و اقلام

اجتماعی و فرهنگی کشور را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: بخش اول خط و مشی‌های مربوط به اهداف صادراتی و بخش دوم خط‌مشی‌های مربوط به اهداف وارداتی. در ذیل مروری بر خط‌مشی‌های صادراتی مندرج در متن برنامه اول خواهد شد:

۱- حرکت در جهت به کارگیری عواید حاصل از صادرات نفت و دیگر کانی‌ها در سرمایه‌گذاری، انتقال تکنولوژی و ارتقای علمی و فنی کشور؛

۲- افزایش صادرات بخش صنایع، معادن و کشاورزی از طریق استفاده حداکثر از ظرفیت‌های موجود و انجام سرمایه‌گذاری تکمیلی؛

۳- رشد تولیدات سرمایه‌ای و واسطه‌ای اقتصاد و توسعه تحقیقات و تکنولوژی در جهت جایگزینی واردات با اولویت استفاده حداکثر از ظرفیت‌های موجود؛

۴- برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه گونه تسهیلات برای توسعه صادرات کالاهای صنعتی پراساس مزیت‌های کشور، از جمله ایجاد مناطق صنعتی آزاد جهت استقرار صنایع تولیدکننده محصولات صادراتی و جذب سرمایه در این صنایع؛

۵- تجدید نظر در روش قیمت‌گذاری محصولات تولیدی، صادراتی و وارداتی به نحوی که از تولید و صادرات حمایت گردد.^۱

۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

۲. همان، صفحات ۱۵ و ۱۸.



داشته باشد. دولت تسهیلات لازم را برای صادرات کالاهای کشاورزی از قبیل اطلاعات مربوط به بازرگانی، اطلاعات فنی و ارائه اعتبار رابری کشاورزان فراهم خواهد ساخت.

۲- برای جلوگیری از قاچاق کالا در نقاط مرزی طبق ضوابط و مقررات به هموطنان مرزنشین اجازه صادرات و واردات کالاهای مجاز از طریق مناطق مرزی به خصوص مناطق جنوبی و شرقی کشور داده خواهد شد.

۳- شرکت‌های بیمه دولتی به منظور کمک به رشد صادرات غیر نفتی، کلیه کالاهای صادراتی را با شرایط آسان در مقابل خطرات احتمالی حمل و نقل، سرقت، مفقود شدن و غیره، بیمه خواهند کرد. در خصوص واردات نیز خط مشی‌ها و سیاست‌هایی در برنامه اول لحاظ گردید که می‌توانیم فهرست‌وار به موارد زیر اشاره نماییم:

۱- در بازرگانی خارجی جهت حمایت از تولیدات صنایع داخلی به خصوص صنایع ماشین‌سازی و واسطه‌ای و برای تسریع در ایجاد ساخت صنعتی غیروابسته ضمن جلوگیری تدریجی از ورود کالاهای صنعتی مصرفی به کشور- هم‌زمان با رشد صنایع مادر و بنیادی- بخشودگی‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای واسطه‌ای و

لوکس مورد نیاز برای تولیدکالاهای صادراتی، از مقررات مربوط به اخذ گواهی عدم ساخت و همچنین از بررسی قیمت توسط مراکز تهیه و توزیع ذی‌ربط معاف خواهند بود. در تبصره ۱۹ نیز به دولت اجازه داده شد که حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری - صنعتی تأسیس نماید. در تبصره ۲۹ بند «ب» نیز دولت مکلف گردید که به عنوان تنخواه‌گردان صادراتی تسهیلات ارزی لازم برای تشویق و حمایت صادرات کالاهای غیرنفتی و منحصرأ برای واردات مواد اولیه و کمکی و قطعات و لوازم بسته بندی و سایر وسایل و لوازم جهت تولید و صدور کالاهای غیرنفتی و همچنین صدور ضمانت نامه‌های صادراتی و خدمات فنی خارج از کشور پس از دریافت تضمین مبنی بر برگشت ارز اعطایی متناسب با اهداف صادراتی برنامه، در اختیار صادرکنندگان قرار دهد.^۱

سایر سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه در خصوص تشویق صادرات عبارت بودند از:

۱- با توجه به نقش حیاتی توسعه صادرات غیرنفتی در ایجاد منابع جدید ارزی ضروری است جهت حفظ و ایجاد ثبات بیشتر در بهبود روند توسعه صادرات غیرنفتی سیاست‌ها و مقررات لازم در جهت تضمین سود متناسب صادرکنندگان اتخاذ گردد تا از این طریق امکان ایجاد رقابت در بازارهای بین المللی برای کالاهای داخلی وجود

۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۱۵-۱۸.

برنامه‌های توسعه

قیمت کالاهای وارداتی کمتر از قیمت تولیدات داخلی باشد ما به التفاوت قیمت‌های داخلی و قیمت‌های وارداتی دریافت گردد.^۱

چنانچه ملاحظه می‌شود اهداف و خط و مشی‌های تجاری برنامه اول حاکی از آن است که استراتژی تجاری ناظر بر این برنامه، تلفیقی نامعین از جایگزینی واردات و توسعه صادرات است که در مورد جایگزینی واردات اساساً به حمایت متزلزل از تولیدات داخلی محدود می‌گردد. در مورد توسعه صادرات، برنامه هدف‌های غیرواقعی‌بینانه‌ای را برای صادرات غیرنفتی (برای کل دوره حدود ۱۷/۸ میلیارد دلار) پیش‌بینی کرد.

۳- استراتژی تجاری در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۴-۱۳۷۸) به عنوان یکی از اهداف کیفی برنامه چنین مطرح گردیده است:

«تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از نفت و توسعه پیش از پیش صادرات غیرنفتی، در راستای تحقق این هدف کلی خط مشی‌هایی ارائه شده، که نشان‌دهنده گرایش

سرمایه‌ای در طول برنامه به تدریج لغو می‌گردد. لغو بخشودگی‌ها شامل کالاهای واسطه‌ای مربوط به کشاورزی و تکنولوژی‌های پیچیده که در افق برنامه اول قابل دسترسی نیستند، نخواهد بود. وضع سود بازرگانی در صورت لزوم اعمال محدودیت‌های وارداتی بر کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و توسعه صنایع واسطه‌ای و ماشین‌سازی مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

۲- واردات کالاهای دارای مصرف زیاد و استراتژیک توسط مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی به طور انحصاری انجام گیرد.

۳- شرایط و ضوابط مشارکت بخش غیر دولتی در امر واردات کالا با توجه به عدم واگذاری حق انحصار به فرد یا اشخاص حقیقی خاص، معین گردد.

۴- واحدهای تولیدی خود این امکان را بیابند که رأساً اقدام به ورود کالا بنمایند.

۵- به منظور حذف واسطه‌های غیر ضرور، نیازهای وارداتی مستقیماً از کشورهای تولیدکننده تأمین شود.

۶- در جهت حمایت از محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی داخلی کالاهای وارداتی به نحوی قیمت‌گذاری می‌شوند که ضمن حفظ استانداردهای موردنظر در کیفیت کالاها در مواردی که

۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.



مرزها؛

- ۱۲- توسعه مبادلات تهاثری غیرنفتی؛
- ۱۳- تشکلیل و تقویت اتحادیه‌ها و تعاونی‌های صادراتی؛
- ۱۴- استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات و صادرات مجدد؛
- ۱۵- منسجم نمودن تشکیلات موجود در امور صادرات؛
- ۱۶- فعال کردن دفاتر نمایندگی‌های خارج از کشور و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران برای صادرات؛
- ۱۷- استفاده از وسایل ارتباط جمعی کشورهای خارجی برای بازاریابی و تبلیغات؛
- ۱۸- بازرینی شرح وظایف سازمان‌های مرتبط با صادرات و حذف اقدامات موازی و کاهش بوروکراسی دست و پاگیر؛
- ۱۹- فعال کردن اشخاص حقیقی و حقوقی در امر تجارت خارجی تحت نظارت دولت در محدوده قانون صادرات و واردات و جلوگیری از ایجاد انحصار در امر واردات؛
- ۲۰- ایجاد تسهیلات لازم برای صدور ضمانت نامه‌های ارزی جهت شرکت‌های داخلی که در مناقصه‌های داخلی برنده می‌شوند؛
- ۲۱- ایجاد تسهیلات لازم جهت خروج موقت ماشین آلات و سایر تجهیزات و لوازمی که برای انجام طرح‌های عمرانی توسط پیمانکاران داخلی در کشورهای

برنامه به سمت استراتژی سرعه برون گراست. تعدادی از خط مشی‌های مذکور عبارتند از:

- ۱- تعیین حدود و میزان فعالیت‌های هر یک از بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در صادرات؛
- ۲- اصلاح قانون صادرات و واردات و اتخاذ سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای مناسب برای ثبات سیاست‌ها و تشویق صادرات؛
- ۳- حمایت از سرمایه‌گذاری در جهت افزایش ارزش افزوده صنایع تبدیلی کشاورزی و معدنی و صنعتی و حمایت از صادرکنندگان با فراهم نمودن تسهیلات و ارائه خدمات و اطلاعات مورد نیاز؛
- ۴- تقویت بانک توسعه صادرات در جهت کمک به صادرکنندگان؛
- ۵- اتخاذ سیاست‌های اعتباری و مالیاتی مناسب جهت صادرات؛
- ۶- نظارت و ارزیابی مستمر بر امور صادرات غیر نفتی؛
- ۷- اختصاص سهمی از تسهیلات به صادرات؛
- ۸- استفاده از مواد اولیه مرغوب در کالاهای صادراتی؛
- ۹- استفاده از بسته بندی‌های مطلوب برای صادرات؛
- ۱۰- انطباق استانداردها با سلیقه کشورهای واردکننده؛
- ۱۱- مبارزه با صادرات قاچاق از طریق کنترل مبادی ورودی و خروجی و

صادرات می باشد و در خصوص واردات تنها مقرر گردید که از تبلیغات گمراه کننده در مورد کالاهای وارداتی جلوگیری شود، به علاوه واردکنندگان کالا به ارائه خدمات بعد از فروش (در مورد کالاهای با دوام) و به آموزش و انتقال تکنولوژی ملزم شوند. البته در بخش دیگری از قانون برنامه دوم که تحت عنوان سیاست های کلی بخش تجاری آورده شده است، خط مشی هایی به شرح زیر جهت اصلاح نظام تجارت خارجی کشور مطرح گردیده است:

۱- نظام ارزی کشور به صورت نظام شناور مدیریت شده خواهد بود و در آن به موارد زیر توجه خواهد شد:

الف - یکسان بودن نرخ ارز.

ب- قابلیت تبدیل پول رایج کشور به اسعار خارجی براساس نرخ شناور.

۲- روش های دست و پاگیر گمرکی و مسراحل اداری غیر ضروری حذف و مراحل ترخیص کالا جهت صادرات و واردات حتی الامکان ساده خواهد شد. بر این اساس تنها محدودیت های گمرکی که جنبه کنترل کیفی و قرنطینه ای (نظیر کنترل کیفی داروهای درمانی و بهداشتی یا بذر و نهال کشاورزی یا قرنطینه دام در هنگام ورود کالا به کشور) دارد، باقی خواهد ماند و کنترل های مربوط به نوع کالا، محدود به کالاهای ممنوعه از جنبه های شرعی و قانونی خواهد گردید.

خارجی مورد نیاز است؛

۲۲- برقراری مشوق های صادراتی در صورت لزوم؛

۲۳- عودت حقوق و عوارض گمرکی صادراتی؛

۲۴- تقویت صندوق ضمانت صادرات و ایجاد سیستم بیمه صادراتی؛

۲۵- کمک به بازاریابی برای کالاهای تولید داخلی از طریق برگزاری نمایشگاه ها، بازار بورس، کالاهای صادراتی؛

۲۶- اعمال پشتیبانی های سیاسی و دیپلماتیک؛

۲۷- تدوین مقرراتی که براساس آن صادرکنندگان بتوانند کالاهای صادراتی خود را با برچسب و عنوان خود یا برچسب و علائم درخواستی خریدار صادر نموده و از خدشه دار شدن اعتبار کالاهای صادراتی جلوگیری نمایند؛

۲۸- بازرگری در تشکیلات بازرگانی کشور و تشکیل شورای عالی صادرات به منظور ارائه پیشنهادهای لازم جهت هماهنگی، تشویق و توسعه صادرات و تمرکز امور بازرگانی در نمایندگی های سیاسی خارج از کشور؛

۲۹- شناسایی بازارهای جدید (کالایی - مکانی) برای توسعه صادرات کنونی و تبدیل توان بالقوه به عملکرد بالفعل در این بازارها.

چنانچه در متن قانون برنامه آمده است، بیشتر خط مشی های مطرح شده مرتبط با



۳- به کارگیری روش‌های مرسوم تجارت جهت تنظیم روابط بازرگانی خارجی به منظور گرفتن امتیازات خاص و مقابله با محدودیت‌هایی که سایر کشورها اعمال می‌نمایند.

۴- تسهیل در شرایط ورود و خروج به حرفه تجارت برای افراد علاقه‌مند و جلوگیری از انحصار.

۵- تعرفه‌های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی و بیرون مرزهای نسبی برای گروه‌های کالا تدوین شود. به نحوی که درک آنها برای صادرکننده، واردکننده و مأمور گمرک ساده باشد. این حمایت‌ها روندی منطقی و متناسب با شرایط جهانی خواهد داشت تا براساس روند تغییرات تعرفه در سطح بین‌المللی امکان ایجاد شرایط رقابت بین‌المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید. در مورد تعرفه‌ها و روش‌های گمرکی موارد زیر مورد نظر خواهد بود:

الف- دریافت‌های دولت ناشی از ورود و صدور کالا از قبیل: عوارض گمرکی، سود بازرگانی، حق الثبت سفارش و غیره، به صورت یکجا و متمرکز صورت خواهد گرفت.

ب- اعمال مقررات ضد دامپینگ از طریق برخورد تعرفه‌ای یا غیرتعرفه‌ای با اقدامات نامطلوب تجاری کشور طرف مبادلات تجاری.

ج- حرکت در جهت حذف معالیت‌های خاص تعرفه‌ای و جایگزین نمودن اعستبارت لازم برای آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که امکان تأمین هزینه‌های فسوق الذکر را از محل عرضه کالاها و خدمات خود ندارند.

د- ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش روزافزون تبادل الکترونیکی اطلاعات براساس پیشرفت‌های حاصل شده در جهان.

۶- عضویت در سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور کسب منافع بیشتر در امور تجاری با دنیای خارج.

۷- تلاش در جهت ایجاد توازن و هماهنگی بین روابط اقتصادی و روابط سیاسی کشور ما با دیگر کشورها و استفاده مطلوب از اهرم روابط اقتصادی در روابط سیاسی با کشورها.

در بخش‌های دیگری از برنامه و در ذیل برخی از اهداف کیفی ارائه شده، خط‌مشی‌هایی مشاهده می‌شود که در ارتباط مستقیم با بخش تجارت خارجی کشور است. از جمله این موارد می‌توان به خط‌مشی‌های زیر اشاره نمود:

۱- تأکید بر ساخت و تولید داخلی در کلیه زمینه‌ها و مشروط بودن هر نوع قرارداد با خارج به عدم امکان ساخت در داخل و به صورت مشارکت.

۲- حمایت جدی از فعالیت‌های بخش خصوصی جهت گسترش صادرات غیرنفتی و ایجاد زمینه‌های لازم برای

حدود ۰/۱ درصد، در سال ۱۳۶۵ تنها ۰/۳ درصد و در سال ۱۳۶۸ ناچیز و قابل اغماض بوده است.

ترکیب صادرات ایران طی سال‌های ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۶ نشان می‌دهد که به طور متوسط سالانه ۵۰ درصد ارزش صادرات غیر نفتی ایران را کالاهای کشاورزی، ۱۰ درصد آن را کالاهای صنعتی و ۱۴ درصد را مواد معدنی و ۲۶ درصد باقی مانده را فرش و مصنوعات دستی تشکیل داده است. در ترکیب کل صادرات غیر نفتی کشور در سال پایانی این دوره (۱۳۶۶) کشاورزی ۴۳ درصد، صنعت ۱۰ درصد، معدن ۲ درصد و فرش و مصنوعات دستی ۴۵ درصد را تشکیل می‌داده است.

مقایسه ارزش افزوده بخش‌های تولیدی اقتصاد کشور با صادرات محصولات این بخش‌ها بیانگر ضعف بنیانی صادرات کشور است. سهم صادرات فرآورده‌های کشاورزی در ارزش افزوده این بخش از رقم ۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۷ به کمتر از ۱ درصد در سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۴ تنزل یافته و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ از ۰/۸ درصد فراتر نرفت.

سهم صادرات کانی‌ها و فرآورده‌های معدنی در ارزش افزوده این بخش طی دوره ۱۰ ساله گذشته به طور متوسط ۱/۲ درصد

رابطه و حضور در کشورهای دیگر.
۳- تلاش در جهت ایجاد توازن تجاری با کشورهای دیگر.^۱

۴- عملکرد بخش بازرگانی خارجی در دوره (۱۳۵۷-۱۳۶۶)

۴-۱- صادرات

سهم صادرات در محصول ناخالص داخلی کشور از ۰/۸ درصد در سال ۱۳۵۷ به کمتر از ۰/۳ درصد در سال ۱۳۶۴ رسید و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ نیز از ۰/۴ درصد تجاوز نکرده است. ارزش صادرات کشور از ۲۸۷/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۷۷/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۶ بالغ شده است.

صادرات سرانه کشور در طول دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۶ به طور متوسط سالانه ۱۳ دلار (حداقل ۷ و حداکثر ۲۲ دلار) بوده است. سهم صادرات در تأمین نیازهای وارداتی کشور طی دوره ده‌ساله فوق حداقل ۲ درصد در ۱۳۶۲ و حداکثر ۱۰ درصد در ۱۳۶۵ و به طور متوسط در سال ۵ درصد بوده است.

ساختار کالایی صادرات کشور نیز طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۶ تغییر کرده است. به طوری که در سال ۱۳۵۷ حدود ۵۵ درصد ارزش صادرات را مواد اولیه و واسطه، ۵ درصد را کالاهای سرمایه‌ای و ۴۰ درصد بقیه را کالاهای مصرفی تشکیل می‌داد، در حالی که در سال ۱۳۶۴ سهم کالاهای سرمایه‌ای در ارزش کل صادرات

۱. سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، صفحات ۱۳-۳۶.



سال ۱۳۶۶ در حدود ۴۱۲ هزار تن، کالاهای صنعتی ۳۶۹ هزار تن در سال ۱۳۵۷، مواد معدنی ۳۵۸ هزار تن در سال ۱۳۶۶ و فرش و مصنوعات دستی ۱۲ هزار تن در سال ۱۳۶۶ بوده است.

توزیع جغرافیایی صادرات کشور طی دوره ۱۰ ساله گذشته دستخوش دگرگونی محسوسی شده است. سهم کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در ارزش کل صادرات ایران از ۲۶ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۴۷ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. سهم کشورهای بلوک شرق از صادرات کشور روند نزولی داشته و از ۲۰/۵ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ تنزل یافت. توسعه همکاری‌های بازرگانی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) سبب شد که سهم دو کشور ترکیه و پاکستان از صادرات ایران از ۰/۶ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ افزایش یابد.

طی دوره ۱۰ ساله (۱۳۵۷ الی ۱۳۶۶) به طور کلی حدود ۱۸/۲ درصد از صادرات کشور به صورت تهاتری و ۸۱/۷ درصد آن به صورت آزاد انجام گرفت.

به طور کلی عملکرد ۱۰ ساله (۱۳۵۷ الی ۱۳۶۶) نشان می‌دهد که صادرات غیر نفتی کشور متناسب با نیازهای اقتصادی کشور توسعه نیافته و همچنان متکی به محصولات و کالاهایی بوده که به طور صنعتی و طی قرون گذشته دارای بازارهای معین و به نسبت مطمئن در صحنه جهانی

بوده و حداکثر از ۲/۱ درصد در ۱۳۵۸ تجاوز نکرد.

بخش صنعت از نقطه نظر توان صادراتی، ضعیف‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است در حالی که حضور در بازارهای جهانی بیشتر با صدور کالاهای صنعتی معنی دار و توجه‌پذیر است تا با صدور مواد خام و اولیه. سهم صادرات کالاهای صنعتی در ارزش افزوده بخش صنعت از ۶/۴ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۲/۴ درصد در سال‌های ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۲ سقوط کرد و در پایین‌ترین سطح خود یعنی ۰/۸ درصد در سال ۱۳۶۱ بوده است. در صورتی که فقط صادرات کالاهای صنعتی در بخش صنایع کارخانه‌ای (بدون فرش و مصنوعات دستی) مورد توجه باشد، نسبت فوق در سال ۱۳۵۷ به ۳/۱ درصد و در سال ۱۳۶۵ با جهشی بیش از ۵ برابر، نسبت به سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۳ به ۱/۱ درصد افزایش پیدا کرد.

ارقام وزنی صادرات کالا نشان می‌دهد که در ۱۰ ساله اولیه بعد از انقلاب (۱۳۵۷ الی ۱۳۶۶) به طور متوسط هر سال ۴۶۰ هزار تن کالا صادر شده که ۴۰ درصد آن را مواد معدنی، ۴۰ درصد را کالاهای کشاورزی و ۲۰ درصد را کالاهای صنعتی (شامل فرش با سهم ۲ درصد) تشکیل داده است. وزن کل صادرات کشور در پایین‌ترین سطح ملی در دوره ۱۰ ساله مذکور برابر با ۱۲۹ هزار تن در سال ۱۳۵۹ و در بالاترین سطح معادل ۱۱۵۴ هزار تن در سال ۱۳۶۶ بوده است. میزان صادرات کالاهای کشاورزی در بالاترین سطح در

بوده است. بخش صنعت کشور به رغم گذشت بیش از نیم قرن از پایه گذاری آن و با توجه به استهلاك بخش قابل توجهی از ماشین آلات و تجهیزات مربوطه طی دوره مذکور قادر به نفوذی قابل استمرار در بازارهای جهانی نبوده است.

۲-۴- واردات

سهم واردات در محصول ناخالص داخلی کشور از ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۸ رسید و از آن پس با افزایش تدریجی به ۱۳/۲ درصد در سال ۱۳۶۰ رسید. این نسبت در سال ۱۳۶۱ به ۹/۴ درصد کاهش یافت و در سال ۱۳۶۲ که بالاترین رقم واردات کشور را در دوره ۱۰ ساله اولیه پس از انقلاب داشت به ۱۱/۷ درصد رسید. سهم واردات در محصول ناخالص داخلی کشور از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ به طور مستمر در حال کاهش بوده و به ۴/۶ درصد در سال ۱۳۶۶ رسید.

از لحاظ ترکیب کالاهای وارداتی، بیشترین سهم واردات کشور طی دوره ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۶ به کالاهای واسطه‌ای اختصاص داشت که از ۶۱ درصد در سال ۱۳۵۶ به ۶۹ درصد در سال ۱۳۶۶ افزایش یافت. در همین زمینه، سهم کالاهای سرمایه‌ای به طور متوسط طی دوره مذکور ۱۴ درصد بوده است.

طی دوره ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۶ کشور آلمان غربی همواره عمده‌ترین صادر کننده کالا به کشور ایران بوده و سهم این کشور در سال

۱۳۶۶ به ۲۰/۱ درصد کل واردات ایران افزایش یافت. پس از آلمان غربی، ژاپن و انگلستان قرار داشتند. در سال ۱۳۶۶، بلوک غرب ۶۶/۲ درصد کل واردات و بلوک شرق ۷ درصد و کشورهای جهان سوم ۲۶/۸ درصد از آن را در اختیار داشته‌اند.

از لحاظ ترکیب بخشی واردات کشور نیز در سال ۱۳۶۶، ۸۹ درصد واردات متعلق به بخش دولتی بوده، ۹/۹ درصد توسط بخش خصوصی و ۱/۱ درصد باقی مانده نیز توسط بخش تعاونی انجام گرفته است.^۱

۵- سیاست‌های تجاری در برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

در سال ۱۳۶۸، سیاست تجاری کشور با تغییرات عمده‌ای همراه بود. از اواسط این سال به منظور راه اندازی و استفاده از ظرفیت خالی واحدهای تولیدی، طرح جدید ارزی به صورت فروش ارز به نرخ ترجیحی- رقابتی جهت واردات مواد اولیه و قطعات پدکی واحدهای تولیدی به اجرا درآمد. در ضمن مقرر گردید که استفاده کنندگان از ارز رقابتی بتوانند فقط با پرداخت معادل ریالی ۲۵ درصد ارز مورد نیاز با دریافت تسهیلات اعتباری به میزان ۷۵ درصد نسبت به واردات اقدام نمایند. به علاوه نرخ فروش ارز ترجیحی- رقابتی که

۱. پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹، پراکنده، صفحات ۱-۱۳.



در ابتدای شروع طرح هر دلار معادل ۱۰۰۰ ریال اعلام گردیده بود، بعد از چند روز به هر دلار معادل ۹۷۵ ریال تقلیل یافت و سپس نرخ مذکور معادل ۸۰۰ ریال به ازای هر دلار تثبیت گردید.

در این سال در ادامه سیاست واردات کالا بدون انتقال ارز و حرکت در جهت آزادسازی تجارت خارجی، ورود اقلام دیگری از کالا، به صورت بدون انتقال ارز آزاد اعلام گردید. به علاوه مقرر شد که واردات کالاهای بدون انتقال ارز برای مبالغ بیش از ۱۰ هزار دلار از طریق سیستم بانکی کشور به صورت گشایش اعتبار اسنادی یا بروات وصولی انجام گیرد و بانکها نیز به اعطای اعتبار به میزان ۳۵ درصد وجه اعتبار به واردکنندگان این گونه کالاها مجاز گردیدند.

همچنین در این سال جهت تشویق و توسعه صادرات غیر نفتی کشور، تسهیلات بیشتری برای صادرکنندگان کالاهای مذکور در نظر گرفته شد، به طوری که اولاً، به تعداد کالاهای مشمول فهرست واردات در مقابل صادرات افزوده شد، ثانیاً، با ایجاد صندوق پشتیبانی ارزی صادرات، امکان حمایت بیشتر از صادرکنندگان فراهم گردید. ثالثاً، با حذف و تخفیف پیمان ارزی در مورد بسیاری از اقلام صنایع دستی و مواد معدنی، زمینه‌های تشویق بیشتر در امر صادرات غیر نفتی فراهم شد. ولیکن از آنجایی که غالب این سیاست‌ها در ماه‌های پایانی سال مورد گزارش به مورد اجرا گذارده شده بود، اثر چندانی در افزایش صادرات در این سال

نداشت.^۱

در اواخر خرداد ماه ۱۳۶۹ با ادامه سیاست گذاری‌هایی که از تسهیل شرایط واردات بدون انتقال ارز اتخاذ شده بود، طرح فروش ارز جهت واردات کالاهای مذکور از طریق سیستم بانکی به مورد اجرا گذارده شد. نرخ خرید و فروش مورد عمل در این زمینه نرخی نزدیک به نرخ بازار آزاد ارز بود که همه روزه توسط بانک مرکزی اعلام می‌گردید. با این اقدام برای واردکنندگان کالاهای مشمول فهرست بدون انتقال ارز این امکان فراهم شد که بتوانند ارز مورد نیاز خود را صرفاً به منظور گشایش اعتبار اسنادی از بانک‌های کشور خریداری نمایند. بدیهی است با اعلام و هدایت تقاضاهای موجود به سمت سیستم بانکی، موجبات تسهیل واردات این گونه کالاها نیز فراهم گردید. از اول بهمن ماه ۱۳۶۹ بانک مرکزی با معرفی ارز شناور، فهرست کالاهای واردات بدون انتقال ارز را نیز مشمول نرخ ارز شناور نمود. همچنین در تاریخ مذکور به منظور کاهش هزینه‌های تولید واحدهای تولیدی که از ارز رقابتی استفاده می‌نمودند نرخ ارز رقابتی از هر دلار معادل ۸۰۰ ریال به ۶۰۰ ریال تنزل داده شد.

در مورد تشویق صادرات از اوایل بهمن ماه سال مذکور حد مجاز اعتبار صادراتی لغو شد و مفهوم پیمان ارزی با هدف تسهیل

۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در مجمع عمومی، ۱۳۶۹/۵/۳۰، صفحات ۹۸-۹۹.

قرارداد داشت. از اوایل فروردین ماه سال ۱۳۷۰ فهرست مفصلی از اقلام وارداتی - که ورود آنها نیازی به دریافت گواهی عدم ساخت از طرف وزارت صنایع را نداشت - اعلام گردید و همچنین اعلام شد که ورود و ترخیص کلیه کالاهای تحت پوشش وزارت صنایع سنگین که با استفاده از ارز رقابتی با ارز حاصل از صادرات یا از طریق واریزنامه به کشور وارد می‌گردد نیز تا پایان سال مذکور نیازی به دریافت مجوز نداشته باشد. در این سال سیاست تسهیل شرایط واردات بدون انتقال ارز که با فروش ارز بانرخ شناور برای این گونه کالاها و باهدف محدود کردن بازار آزاد ارز و هدایت تقاضاهای موجود به سیستم بانکی، آغاز شده بود همچنان ادامه یافت و بانک مرکزی در شهریور ماه سال مذکور فروش ارز به نرخ شناور توسط شعب ارزی بانک‌های کشور برای کالاهایی که تحت عنوان بدون انتقال ارز و از تاریخ ۱۳۷۰/۶/۱۱ به گمرکات کشور وارد شده یا می‌شوند را تحت ضوابط خاصی بلامانع اعلام نمود. از اوایل آبان ماه ۱۳۷۰ در تعقیب سیاست‌های متخذه در مورد معاملات ارز با نرخ شناور و قابل تبدیل نمودن ریال به ارزهای خارجی، بانک مرکزی دستور العمل واردات کالا با نرخ شناور و همچنین با ریال را ابلاغ نمود.

شرایط سپردن پیمان، تغییر یافت و عملاً پیمان ارزی به عنوان گواهی صدور، پایه اطلاعات و میزان ارزی که باید به کشور برگردانده شود، مفهوم پیدا نمود. در ضمن مدت لازم برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات برای فرش از ۱۴ ماه به ۱۲ ماه و برای بقیه کالاهای صادراتی از ۸ ماه به ۶ ماه تقلیل یافت. همچنین بانک مرکزی از این تاریخ با معرفی نرخ شناور ارز اعلام نمود که ارز حاصل از صادرات رابه نرخ مذکور از صادرکنندگان خریداری خواهد نمود که این امرگام بسیار مهمی در جهت تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی به شمار می‌آید. همچنین در شهریور ماه سال ۱۳۶۹، در جهت گسترش کالاهای قابل ورود با ارز صادراتی و تسهیل ضوابط انتقال واریزنامه و ارزهای صادراتی به مورد اجرا گذارده شده، به موجب این تصمیمات به کلیه صادرکنندگان و تولیدکنندگان اعم از دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد که مواد اولیه، قطعات و اجزای لازم برای تولید کالاهای مورد نیاز کشور یا کالاهای صادراتی و نیز ماشین آلات و تجهیزات مربوط به تکمیل، بازسازی و توسعه کارگاه تولیدی خود، برای امر صادرات را در قبال ارز حاصل از صادرات وارد نمایند.^۱

در سال ۱۳۷۰ سیاست بازرگانی خارجی ایران بر پایه گسترش زمینه‌های تجارت خارجی و با تأکید بیشتر بر بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی کشور

۱. گزارش انحصاری و موازنه سال ۱۳۶۸ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در مجمع عمومی، ۱۳۷۰/۱۵/۲۰



سفارش در مراکز تهیه و توزیع بازرگانی نخواهد داشت.

براساس بخشنامه دیگری ثبت سفارش و گشایش اعتبار برای واردات کالا با ارز شناور جهت کلیه واردکنندگان و همچنین تمدید سررسید آنها با پرداخت حداقل ۲۰ درصد معادل ریالی وجه توسط متقاضیان امکان پذیر گردید و ۸۰ درصد بقیه نیز با تشخیص و مسئولیت بانک و متناسب با اعتبار مشتری و وثیقه لازم قابل پرداخت اعلام شد. در این سال سهم صادرات کالاهای غیر نفتی در کل مبادلات گمرکی غیرنفتی افزایش یافت و از حدود ۹۴ درصد در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۱ رسید.^۱

در سال ۱۳۷۲ به دنبال یکسان سازی نرخ ارز و تأثیر آن در ایجاد محدودیت برای واردات، تسهیلات بیشتری در امر واردات کالا و خدمات و فراهم نمودن امکانات برای پرداخت های فوری و نقدی جهت موارد ضروری از سوی بانک مرکزی فراهم شد. حق ثبت سفارش کالاهای وارداتی به ازای هر دلار برای کالاهای اساسی ۵ ریال و در مورد سایر کالاها ۲۰ ریال تعیین گردید. در ضمن خدمات خریداری شده از خارج نیز به ازای هر دلار یا معادل آن در مورد سایر ارزها مشمول پرداخت ۲۰ ریال حق ثبت سفارش تعیین گردید. همچنین جهت کاهش هزینه واردات اعلام گردید که از

در این رابطه الزام دریافت ۶۵ درصد مبلغ ثبت سفارش به ارز در هنگام ثبت سفارش حذف شد و بانکها مجاز گردیدند که با رعایت مجوزهای مربوط و تمهیدات لازم و با مسئولیت خود (بین صفر تا ۱۰۰ درصد) مبلغ ثبت سفارش را در ابتدای امر به صورت ریال دریافت نمایند.

سیاست های مبتنی بر خرید ارز حاصل از صادرات به نرخ شناور و سیاست های تکمیلی در مورد گسترش صادرات باعث گردید که صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۰ به رقم ۲/۶ میلیارد دلار بالغ گردد. در این سال علی رغم رشد سریع واردات بر سهم صادرات غیرنفتی در کل مبادلات غیر نفتی کشور افزوده شد و سهم مذکور از ۷/۸ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ رسید.^۱

از اوایل سال ۱۳۷۱ در راستای سیاست های تشویق و توسعه صادرات غیرنفتی و به منظور برقراری تعادل در بازرگانی خارجی، سیاست واردات کالا در مقابل صادرات کالا مورد توجه بیشتر قرار گرفت، در این رابطه وزارت بازرگانی طی بخشنامه ای، مصوبه هیئت وزیران را مبنی بر ورود تعدادی از کالاها با ارز حاصل از صادرات اعلام نمود. در این سال ورود ۲۷ قلم کالای دیگر به صورت بدون انتقال ارز که شامل کالاهای وارداتی توسط برخی از مراکز تهیه و توزیع می گردید، نیز مجاز اعلام شد. همچنین افتتاح اعتبار استادی با استفاده از تسهیلات اعطا شده برای استفاده از ارز شناور نیازی به طی مراحل ثبت

۱. گزارش اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی

ایران، ۱۳۷۰.

۲. همان، ۱۳۷۱.

بازرگانی

وصولی مستلزم ثبت سفارش نزد وزارت بازرگانی باشد.

۴- براساس تصمیمات کمیته تنظیم بازار، ارزش میزان مجاز ورود کالا از مناطق آزاد تجاری کیش و قشم و چابهار که از تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۵ به ترتیب معادل ۷۰۰ و ۲۰۰ دلار تعیین شده بود از تاریخ ۱۳۷۲/۹/۷ به ۲۰۰ و ۸۰ دلار محدود گردید.

مجموعه اقدامات فوق موجب گردید که واردات گمرکی در سال ۱۳۷۲ با ۱۸۷ درصد کاهش نسبت به سال قبل به ۱۹ میلیارد دلار محدود گردد.

درخصوص تشویق صادرات نیز در سال ۱۳۷۲ اقدامات زیر انجام شد:

۱- به کلیه صادرکنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان، اعصم از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد تا مواد اولیه، قطعات و اجزای لازم برای تولید کلیه کالاهای مورد نیاز کشور یا کالاهای صادراتی و همچنین ماشین آلات و تجهیزات مربوط به تکمیل، بازسازی و توسعه کارگاه خود برای امر صادرات را با تأیید وزارتخانه ذی ربط در قبال ارزش حاصل از صادرات، بسا استفاده از اعتبارات اسنادی یا به صورت بدون انتقال ارزش وارد نماید تا از این طریق فشارهای تورمی تا حدی تخفیف یابد. در این صورت صدور کالا در سال ۱۳۷۲ نیز کماکان مستلزم

گشایش اعتبارات اسنادی یا قبول پروات اسنادی برای واردات کالاهای ساخت کشورهای عضو اتحادیه پاپاپای آسیایی از طریق سایر کشورها خودداری نمایند. سایر مقررات اعمال شده در سال ۱۳۷۲ در جهت محدودیت واردات به قرار زیر بوده است:

۱- اعلام گردید که واحدهای تولیدی منحصرأ جهت تأمین مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز خود و با رعایت شرایط و ضوابط لازم مجاز به واردات بدون انتقال ارزش می باشند و برای این منظور تأیید وزارتخانه صنعتی ذی ربط و انجام ثبت سفارش در وزارت بازرگانی ضروری است.

۲- جهت محدودسازی واردات کالاهای غیر ضروری، لوکس و تجملی مقرر گردید تا با حذف حقوق گمرکی نسبت به دریافت سود بازرگانی کالاهای وارداتی با محاسبه ارزش کالا بر مبنای ارزش شناور اقدام شود. البته در مورد ماشین آلات صنعتی - که امکان ساختن در داخل ندارد و همچنین قطعات یدکی - قرار شد که این میزان از حقوق گمرکی و سود بازرگانی قبلی بیشتر نباشد.

۳- مقرر گردید تا واردات کلیه کالاهای تجاری و خدماتی به داخل کشور از تاریخ ۱۳۷۲/۸/۸ به صورت بدون انتقال ارزش یا از طریق گشایش اعتبار یا پروات



غیر ضروری و مصرفی، پرداخت و دبیعه ثبت سفارش توسط واردکنندگان به عنوان یکی از مراحل ثبت سفارش اعلام شد. همچنین به منظور کنترل تقاضای واردکنندگان کالا در این سال واردات بدون انتقال ارز ممنوع و مقرر شد که هرگونه نقل و انتقالات مالی مربوط به واردات و صادرات کالا صرفاً از طریق شبکه بانکی صورت گیرد. به همین جهت علاوه بر نرخ ارز رسمی، نرخ دیگری برای واردات در مقابل صادرات با احتساب ۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار آزاد روزانه از سوی بانک مرکزی تعیین و اعلام شد و کلیه واردکنندگان مجاز به استفاده از آن برای واردات مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی شدند.

در اوایل خرداد ماه همین سال عملیات ارزی خارج از سیستم بانکی قاچاق اعلام شد. در این رابطه به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور مقرر شد از تاریخ هفتم خرداد سال ۱۳۷۳ کلیه واردات کالا منحصرأ از طریق شبکه بانکی کشور انجام شود. براین اساس انواع واردات در مقابل صادرات در صورتی مجاز اعلام شد که ابتدا ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور معرفی و سپس از محل آن واردات انجام شود. همچنین واگذاری حق استفاده از مجوز واردات در مقابل صادرات نیز پس از معرفی ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور میسر شد. به علاوه اعلام گردید که صادرکنندگان مجاز به واگذاری ارز حاصل از صادرات خود به دیگران به منظور واردات نمی باشند. صادرکنندگان ارز

سپردن پیمان ارزی بود.

۲- از مرداد ۱۳۷۲ به بانکها اجازه داده شد که در مقابل اسناد گمرکی حاکی از صدور کالا و گشایش اعتبار اسنادی یوزانس، متناسب با حسن اعتبار مشتری تسهیلات ریالی با نرخ ترجیحی در بخش صادراتی به صادرکنندگان اعطا گردد.

۳- اخذ مجوز وزارت کشاورزی، بازرگانی و جهاد سازندگی جهت صدور برخی کالاهای کشاورزی و محصولات فرعی، جنگلها و مراتع حذف گردید و اعلام گردید جهت صدور کلیه محصولات فلزی نیاز به ارائه تأیید از سوی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان نمی باشد.

مجموعه اقدامات فوق سبب گردید که ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۲ با ۲۵/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۲/۷ میلیارد دلار بالغ شود. به نظر می رسد عامل اصلی این افزایش تأثیر سیاستهای جدید ارزی و یکسان سازی نرخ ارز بوده است که از یک سوانگیر فیشتری برای صادرکنندگان فراهم آورد و موجب گردید تا بخش عمده ای از صادرات قاچاق به سمت راههای رسمی و قانونی هدایت گردد و از سوی دیگر موجبات افزایش قدرت رقابت صادرکنندگان ایرانی در بازرگانی خارجی را فراهم آورد.

۶- سیاستهای تجاری سال ۱۳۷۳ در سال ۱۳۷۳ به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات بیهوده و ویژه واردات کالاهای

جدول ۳- عملکرد بازرگانی خارجی طی دو سال اول

(میلیارد دلار)

برنامه دوم توسعه

شرح	۱۳۷۴	۱۳۷۵	نرخ رشد (درصد)	پیش‌بینی برنامه (درصد)
واردات	۱۲/۲	۱۴/۷	۲۰/۷	۴/۳
صادرات غیر نفتی	۳/۲۲	۳/۲۱	-(۰/۶)	۸/۴
صادرات نفتی	۱۸/۳۶	۲۲/۴	۱۰/۵	۳/۴

حاصل از صادرات خود را که دارای منشأ خارجی است باید به حساب خود نزد بانک واریز نمایند و چنانچه تمایل به استفاده از ارز صادراتی برای واردات کالا نداشته باشند می‌توانند در حساب ارزی خود نگه داری نمایند یا آن را به نرخ روز به بانک واگذار کرده یا آن را در بازار آزاد به فروش برسانند. در صورت سپرده‌گذاری بانک موظف شد برای حساب ارزی صادرکننده سودی برابر یک درصد بیش از نرخ بهره بین بانکی لندن برای همان ارز در مدت مشابه بپردازد.

در تصمیم دیگری بانک مرکزی اعلام کرد چنانچه صادرکنندگان با استفاده از ارز حاصل از صادرات خود اقدام به واردات نمایند ملزم به تکمیل تعهدنامه ارز صادراتی می‌باشند. لیکن اخذ تعهد ارائه پروانه سبزی گمرکی ضرورت نداشته و از پرداخت ودیعه ثبت سفارش نیز معاف می‌باشند.

در مورد تشویق صادرات در سال ۱۳۷۳، اخذ پیمان ارزی بسبب صدور کالاهای غیرنفتی لغو شد و صندوق تضمین صادرات کشور فعال شد. به علاوه اعلام

گردید که اخذ تعهد نامه ارزی از صادرکنندگان کالا به کشورهای آسیای میانه ضرورتی نداشته و صادرکنندگان در صورت دریافت ارز با منشأ خارجی می‌توانند در ازای اظهار نامه صادراتی کالا به واردات کالا توسط خود یا انتقال به دیگران یا فروش به بانک مبادرت ورزند. صادرکنندگان کالا به کشورهای عضو اتحادیه پاپاپای آسیایی نیز می‌توانند معادل صددرصد ارز حاصل از صدور کالا را برای واردات از کشورهای مزبور یا سایر کشورها استفاده نموده یا به بانک بفروشند.

در ماه‌های پایانی سال ۱۳۷۳، صادرات هر نوع مواد اولیه و کالاهای مشمول طرح تنظیم بازار مانند محصولات فولادی، مس، آلومینیم و محصولات پتروشیمی ممنوع گردید. مجوز صادرات جهت صدور تولیدات مازاد بر نیاز داخل نیز پس از اشباع بازار، توسط وزارت بازرگانی صادر خواهد

۱. صندوق تضمین صادرات به حفظ حقوق صادرکنندگان در مقابل خطرات مالی و همچنین تضمین اعتباراتی که صرف صدور کالاها و خدمات می‌کنند کمک می‌نماید.

جدول ۲- ارزش کل صادرات، صادرات نفت و گاز، صادرات غیرنفتی و واردات طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ (واحد: میلیون دلار)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
کل صادرات شامل (نفت و گاز)	۸۶۳۶	۱۲۵۸۲	۱۷۹۲۷	۱۶۲۷۷	۱۵۳۷۰	۱۸۰۸۰	۱۹۲۳۲	۱۸۳۶۰	۲۲۳۹۱
صادرات نفت و گاز	۷۶۰۰	۱۱۹۹۳	۱۶۶۱۵	۱۳۸۲۸	۱۳۲۸۲	۱۲۳۳۳	۱۲۶۰۳	۱۵۱۰۳	۱۹۲۷۱
صادرات غیرنفتی	۱۰۳۶	۱۰۳۴	۱۳۱۲	۲۶۲۹	۲۹۸۸	۳۷۴۷	۶۶۲۹	۳۲۵۷	۳۱۲۰
واردات	۸۱۷۷	۱۲۸۰۷	۱۸۷۲۲	۲۹۶۷۷	۲۹۸۷۰	۲۰۰۳۷	۱۱۷۹۵	۱۲۲۰۸	۱۴۹۸۹
تراز تجاری	۲۵۹	-۲۲۵	-۷۹۵	-۱۳۲۰۰	-۱۲۵۰۰	-۱۹۵۷	۷۶۲۹	۶۱۵۲	۷۲۰۲
سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات	۱۲	۸/۳	۷/۳	۱۶/۱	۱۹/۵	۲۰/۶	۲۲/۸	۱۷/۷	۱۳/۹

منبع: ۱- ترازنامه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷-۱۳۷۴.
۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۷۰-۱۳۷۵.

سر می‌بریم ولی اطلاعات موجود در برخی زمینه‌ها تنها در خصوص سال اول اجرای برنامه (۱۳۷۴) و بعضاً تا انتهای سال ۱۳۷۵ موجود است. از این رو به علت محدودیت اطلاعات موجود در خصوص سیاست‌های تجاری این دوره، تنها می‌توانیم به شرح سیاست‌های تجاری در سال ۱۳۷۴ اکتفا نماییم. البته در تحلیل عملکرد در مورد سال ۱۳۷۵ نیز مطالبی را ارائه می‌نماییم. در سال ۱۳۷۴ همچون سال‌های گذشته به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات به ویژه واردات کالاهای غیر ضروری و مصرفی، پرداخت حق ثبت سفارش توسط واردکنندگان به عنوان یکی از مراحل ثبت سفارش اعلام شد. بر این اساس میزان حق

شد. به علاوه موافقت کلی وزارت بازرگانی با صدور مجدد کالاهای وارد شده به صورت بدون انتقال ارز لغو و صدور آنها با مجوز وزارتخانه مذکور امکان پذیر شد.

در سال ۱۳۷۳ با اعمال محدودیت‌های وارداتی واردات کشور به ۱۲/۶ میلیارد دلار محدود گردید و همچنین مجموعه شرایط و سیاست‌های تجاری اتخاذ شده موجب شد صادرات کالایی کشور به ۱۹/۴ میلیارد دلار برسد و تراز بازرگانی کشور با ۶/۸ میلیارد دلار مازاد مواجه شود.

۷- سیاست‌های تجاری در برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

هرچند در سال چهارم اجرای برنامه دوم به

سیستم بانکی قابل تصفیه می‌باشد. در این سال مقرر گردید تا کمیته تنظیم تعهدات ارزی کشور کلیه تعهدات بالقوه ارزی را جهت تأیید یا رد، توافق مجدد و همچنین زمانبندی مجدد پرداخت، حمل و کاهش قیمت‌های خرید و تعدیل بخشی از خریدها به گونه‌ای تنظیم نماید که تراز پرداخت‌ها همواره مثبت باشد.

جهت گسترش صادرات غیرنفتی در مرداد ماه ۱۳۷۲، به کلیه واحدهای تولیدی صادراتی تحت پوشش وزارت صنایع اجازه داده شد تا ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات محصول خود را که به سیستم بانکی فروخته‌اند به تشخیص وزارت صنایع صرفاً جهت تأمین واردات اقلام مورد نیاز واحدهای تولیدی خود با رعایت سایر مقررات مربوطه استفاده نمایند.

همچنین صادرکنندگان کالا (به جز فرش دستباف و پسته) به جمهوری‌های مستقل مشترک المنافع نیز می‌توانند معادل صد درصد ارز حاصل از صدور کالا را برای واردات از کشورهای مزبور استفاده نمایند.^۱

۸- عملکرد بازرگانی خارجی طی برنامه اول و دوم پس از انقلاب
۸-۱- صادرات

ارزش کل صادرات طی سال‌های ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۵ از ۸/۶ میلیارد دلار به ۲۲/۴

۱. گزارش اقتصادی و فرازنامه سال ۱۳۷۲ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صفحات ۶۸-۷۰.

ثبت سفارش کالاهای وارداتی به ازای هر دلار با معادل آن در مورد سایر ارزها برای کالاهای اساسی (گندم، گوشت قرمز، قند و شکر، برنج و روغن نباتی) و کاغذ معاف و در مورد سایر کالاها مبلغ ۴۵ ریال تعیین شد.

به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور مقرر شد از تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴ کلیه واردات کالا متحصراً از طریق شبکه بانکی انجام شود. براین اساس ارز خریداری شده توسط سیستم بانکی براساس اولویت نیازها برای مصارف مربوط به واردات کالا و خدمات تخصیص می‌یابد. در این رابطه صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات تولیدات خود را به بانک فروخته‌اند برای نیازهای تولیدی خود با تأیید کمیته مذکور در اولویت قرار دارند.

در این سال همچنین با توجه به گسترش روابط تجاری با جمهوری‌های مستقل مشترک المنافع و تسهیل تجارت با این کشورها مقرر گردید که صادرکنندگان کالا (به جز فرش دستباف و پسته) به کشورهای مذکور در صورتی که با واریز ارز، تعهد خود را تسویه نمایند می‌توانند در قبال تعهد نامه ارزی خود رأساً پس از ثبت سفارش در وزارت بازرگانی نسبت به ورود کالاهای قابل ورود در مقابل صادرات از همان مبادی با ارائه پروانه سبز گمرکی اقدام نمایند. لیکن تعهدنامه‌های ارزی مربوط به صدور فرش و پسته همچنان فقط در قبال فروش ارز به



جدول ۵ - سهم بخش‌های مختلف اقتصادی در کل ارزش صادرات غیرنفتی کشور طی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۷۵ (واحد: درصد)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
سهم محصولات کشاورزی	۲۲/۶	۵۲/۷	۲۰/۳	۲۹/۳	۲۹/۸	۳۰/۲	۲۲/۳	۲۴/۱	۲۸/۳
صنایع دستی	۲۹/۸	۳۳	۳۸/۸	۳۲/۹	۳۷	۳۶/۹	۲۲/۲	۲۹	۱۹
محصولات صنعتی	۲۲/۵	۱۱/۷	۱۸/۲	۲۲/۹	۳۲/۵	۳۱/۸	۳۱/۳	۳۵/۲	۵۱/۶
مواد معدنی	۳/۱	۲/۶	۲/۵	۱/۹	۰/۷	۱/۱	۱/۲	۱/۷	۱/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

میلیارد دلار افزایش داشته است. در ارتباط با سهم هریک از بخش‌های نفت و گاز و کالاهای غیرنفتی در کل ارزش صادرات دو دوره کاملاً متمایز را می‌توان مشاهده نمود: الف - سال‌های ۱۳۶۷ الی ۱۳۶۹: سهم بخش نفت روندی افزایشی را نشان می‌دهد و در نتیجه سهم صادرات کالاهای غیرنفتی روندی کاهشی داشته است.

ب - سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۳: سهم صادرات کالاهای غیرنفتی از کل صادرات روندی افزایشی داشته است، همچنین طی سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱ صادرات نفت و گاز کشور دارای روند نزولی بوده اما از سال ۱۳۷۲ مجدداً شاهد روند افزایش صادرات آن هستیم. با توجه به روند رو به رشد و پایداری ارزش صادرات جهانی، نوسانات شدید افزایش و کاهش ارزش صادرات ایران موجب گردیده تا این سهم هم سال به

سال تغییر کند. این امر از دیدگاه کارشناسان به مفهوم عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی در کشور است. سهم ارزش صادرات از تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۳، به قیمت ثابت از ۱۸ درصد به ۲۴ درصد و به قیمت جاری از ۷ درصد به ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. در خصوص صادرات کالاهای غیرنفتی این سهم از ۰/۸ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش داشته است (به قیمت جاری). اما طی سال‌های ۱۳۷۴ الی ۱۳۷۵ هر سه سهم با کاهش چشمگیری همراه بوده است.

عملکرد ضعیف و عدم تحرک بخش صادرات غیرنفتی در طول یک دوره ده ساله بیانگر مشکلات عدیده بنیادی و ساختاری است که گریبانگیر بخش صادرات کالاهای غیرنفتی شده است که بخشی از آن متوجه مسائل مربوط به بخش تجارت و قوانین و

برنامه نسبی

صادرکنندگان به برگرداندن ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی، تثبیت نرخ خرید ارزهای صادراتی (معادل ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار صادراتی)، به هم ریختگی برنامه‌های بلندمدت برای توسعه صادراتی را در پی داشت و باعث سرگردانی صادرکنندگان گردید و در نهایت هم، ارزش صادراتی از سال ۱۳۷۴ روند کاهشی خود را آغاز کرد و به سطحی پایین‌تر از سال ۱۳۷۲ رسید. در سال ۱۳۷۵ نیز این روند ادامه داشت که هشدار جدی باید تلقی شود.

ترکیب صادرات غیرنفتی

ترکیب بخش‌های مختلف اقتصادی در ارزش کل صادرات غیرنفتی طی دوره ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۵ به‌طور محسوس تغییر نموده است و طی آن سهم بخش کشاورزی دارای کاهشی از ۴۴/۶ به ۲۸/۳ درصد، بخش فرش و صنایع دستی کاهشی از ۲۹/۸ به ۱۹ درصد، محصولات صنعتی افزایشی از ۲۲/۵ به ۵۱/۶ درصد و در آخر مواد معدنی کاهشی از ۳/۱ به ۱/۱ درصد یافته‌اند.

جدول شماره (۶) ترکیب و نوع کالاهای صادراتی را نشان می‌دهد. ملاحظه می‌گردد که تنوع کالاهای صادراتی محدود بوده و از تنوع لازم برخوردار نمی‌باشد. این امر می‌تواند پیامدهای ناگواری به دنبال داشته باشد. به‌عنوان نمونه در صورت ورود یک یا چند کشور دیگر به بازارهای جهانی، نظیر آنچه که برای فرش اتفاق افتاده است،

مقررات مربوطه می‌شود و بخش عمده آن متوجه مشکلات ساختاری و عدم تحرک سایر بخش‌ها از جمله تولید است. نوسانات شدید در نرخ رشد سالانه صادرات کالاهای غیرنفتی کاملاً نشان می‌دهد که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی درازمدتی برای این بخش صورت نگرفته است و تحت تأثیر تغییرات روز به روز قوانین قرار داشته است. طی سال‌های ۱۳۶۶ الی ۱۳۷۵ نرخ رشدهایی بین ۳۳- درصد الی ۴۲+ درصد مشاهده می‌شود و به‌طور متناوب یک سال افزایش و سال بعد کاهش وجود داشته است.

از ابتدای سال ۱۳۷۳، به واسطه لغو اخذ پیمان ارزی بابت صدور کالاهای غیرنفتی، ایجاد تسهیلاتی جهت گسترش مبادلات تجاری با کشورهای آسیای میانه، ایجاد مناطق حراست شده تجاری و بازارچه‌های مرزی مشترک در نقاط مرزی، ایجاد تسهیلاتی نظیر صندوق ضمانت صادرات جهت تضمین اعتباراتی که به مصرف صدور کالاها و خدمات می‌رسد و حمایت از صادرکنندگان در مقابل خطرات مالی (بیمه صادراتی)، رشد قابل توجهی در صادرات غیرنفتی کشور ایجاد شد (معادل ۱/۱ میلیارد دلار نسبت به سال ۱۳۷۲). در پی بروز بی‌ثباتی در بازار ارز و به منظور تخصیص بهتر منابع ارزی جهت تأمین نیازهای وارداتی کشور، در اواخر سال ۱۳۷۳، دوباره سیاست اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان به مورد اجرا گذاشته شد. الزام



یا بروز تحولات ژنتیکی در بخش کشاورزی نظیر کشت و برداشت پسته در سطحی گسترده در منطقه امریکا لطمان شدیدی متوجه بخش صادرات کشورمان خواهد شد. در ترکیب صادراتی کشور ملاحظه می‌شود که ۹ دسته از کالاها، در مجموع بیش از ۸۵ درصد کل ارزش صادراتی را به خود اختصاص داده که در ضمن دارای ویژگی‌های درخور تأملی هستند.

برخی از اقلام صادراتی به لحاظ مزاد داشتن نسبت به سطح تقاضای داخلی صادر می‌شوند که عمدتاً هم جزو کالاهای لوکس و برخوردار از سطوح قیمت بالا هستند و عمدتاً به صورت خام و پردازش نشده حتی در بسته‌بندی‌های نامناسب صادر می‌شوند و دارای نام تجاری که بیانگر ایرانی بودن کالا در سطح جهانی باشند، نیستند. بخش عمده ارزش افزوده حاصل از بسته‌بندی، توزیع و بازاریابی و حضور در سطح خرده‌فروشی نصیب شرکت‌های خارجی عمدتاً اسپانیایی، فرانسوی، هلندی و ترکیه می‌شود. صادرکنندگان این بخش دارای بافت سستی و پیچیده‌ای هستند و از قدرت عمل بالایی در ارتباط با تعیین شرایط و مقررات برخوردارند. تفاوت بسیار زیاد بین قیمت صادراتی با قیمت فروش محصول نهایی در سطح خرده‌فروشی از مشخصه‌های بارز این اقلام است که به مفهوم از دست دادن بخش مهمی از ارزش افزوده‌ای است که می‌تواند با اندکی برنامه‌ریزی به دست آید.

برخی دیگر از کالاهای صادراتی در صورت مزاد هر تقاضای داخلی یا بازاریابی موفق در فهرست کالاهای صادراتی جای گرفته‌اند. این گروه کالاها که عمدتاً تحت تأثیر قوانین و مقررات مقطعی به‌ویژه سیاست‌های تنظیم بازار قرار می‌گیرند، از بازارهای صادراتی بسیار کم‌ثبات‌تری نسبت به اقلام سستی برخوردارند ولی متوسط نرخ رشد سالانه برخی از این اقلام طی دوره مورد بررسی نظیر انواع پارچه و لباس (۲۹ درصد)، مواد شیمیایی (۲۳ درصد) چدن، آهن و فولاد (۴۴ درصد)، در مقایسه با متوسط نرخ رشد مهم‌ترین اقلام سستی که بین ۳ الی ۱۷ درصد بوده است، بیانگر وجود مزیت‌های نسبی و بالقوه در زمینه صدور محصولات صادراتی با ارزش افزوده است.

با توجه به ترکیب اقلام صادراتی که عمدتاً مواد خام و محصولات غیرصنعتی هستند متوسط قیمت جهانی آنان نیز کاهش قابل توجهی نشان می‌دهد. به طوری که از ۱/۴ دلار در سال ۱۳۶۵ به ۰/۴۴ دلار برای هر کیلوگرم کاهش یافته است. با توجه به روند صعودی متوسط قیمت‌های وارداتی باید این نتیجه را گرفت که رابطه تجاری به ضرر کشور ما و به نفع کشورهای طرف تجاری بوده است. تنها عامل مهم این روند، تمرکز در صدور چندکالای محدود، پردازش نشده و فاقد ارزش افزوده است. با توجه به افزایش هزینه‌های مربوط به بسته‌بندی، بازاریابی و توزیع در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، قطعاً فشار زیادی را

(درصد میلیون دلار)

جدول ۶- ارزش صادرات مهم‌ترین محصولات صادراتی غیر نفتی کشور طی سالهای ۱۳۳۷-۱۳۳۲

نوع محصول	سال	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	۱۳۴۰	۱۳۴۱	۱۳۴۲	۱۳۴۳	۱۳۴۴	۱۳۴۵	میانگین نرخ رشد سالانه (۱۳۳۷-۱۳۴۵)
تولیدات محصولات صنعتی		۰/۳	۳/۸	۱/۶	۷/۸	۵/۶	۷/۴	۷/۴	۱۵	۱۳/۳	۱۳۴۵
تولیدات کشاورزی و دامپروری		۳/۶	۳/۲	۱/۶	۲۰/۳	۱۷/۷	۱۷/۵	۲۳/۷	۲۳/۷	۳۸/۸	۲۷۰
کاشی		۰/۸	۰/۳	۰/۸	۷/۱	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۳/۳	۲۷۵
لباس و قوالب پارچه		۷	۵/۳	۱۲	۲/۲	۵/۶	۴/۶	۴/۶	۴/۶	۱۱/۳	-
سینک، سنگ، مصالح ساختمانی		۷/۵	۶/۳	۶/۳	۵/۳	۴/۵	۶/۳	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۷/۸
وسایط نقلیه		۲	۱/۸	۶/۷	۱۲/۶	۷/۵	۲۰/۳	۲۰/۳	۲۰/۳	۲/۳	۲۰/۳
شش، مس، ورق و مقوالات		۱۳/۳	۱۷	۱۷	۷/۴	۱۳/۳	۱۰/۷	۱۰/۷	۱۰/۷	۶/۸	-
لوازم خانه و بهداشت خانگی		۰/۳	۰/۵	۷/۵	۲/۵	۲۰/۵	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	۱۶/۶	-
چکون آهن و فولاد		۱۳/۶	۱۱	۱۴	۲/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۱۶/۲	-
مهندسی و بردهای الکتریکی		-	-	-	-	۶/۸	۷/۴	۷/۴	۷/۴	-	-
سایر		۲۰	۳	۳	۳/۹	۲/۸	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	-
جمع صادرات محصولات صنعتی		۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳	۹۹۰	۹۷۱	۱۱۱۳	۱۵۱۰	۱۶۳۰/۸	-	۲۰/۸
تولیدات محصولات کشاورزی و دامپروری		۲۰/۹	۳/۵	۵/۹	۱۱/۶	۱۱/۶	۱۳/۳	۱۳/۳	۱۳/۳	۷/۷	۱۷
تولیدات کاشی و سرامیک		۲/۳	۲/۹	۲/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۱۱/۳
تولیدات پارچه و لباس		۲۰/۶	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۱۰/۸
تولیدات سنگ و مصالح ساختمانی		۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۲/۷
تولیدات وسایط نقلیه		۱۳/۳	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	-
تولیدات لوازم خانه و بهداشت خانگی		۱۳/۶	۱۱	۱۴	۲/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	-
تولیدات مهندسی و بردهای الکتریکی		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تولیدات سایر		۲۰	۳	۳	۳/۹	۲/۸	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	-
جمع صادرات محصولات کشاورزی و دامپروری		۲۰۹	۳/۵	۵/۹	۱۱/۶	۱۱/۶	۱۳/۳	۱۳/۳	۱۳/۳	۷/۷	۱۷
تولیدات کاشی و سرامیک		۲/۳	۲/۹	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۱۰/۸
تولیدات پارچه و لباس		۲۰/۶	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۷
تولیدات سنگ و مصالح ساختمانی		۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۲/۷
تولیدات وسایط نقلیه		۱۳/۳	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	-
تولیدات لوازم خانه و بهداشت خانگی		۱۳/۶	۱۱	۱۴	۲/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	۳/۹	-
تولیدات مهندسی و بردهای الکتریکی		-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تولیدات سایر		۲۰	۳	۳	۳/۹	۲/۸	۲/۹	۲/۹	۲/۹	۲/۹	-
جمع صادرات کل		۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۲۱۰/۶

منابع: ۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آماری بازرگانی، ۱۳۳۷-۱۳۳۶.
 ۲- گزارشنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آماری، ۱۳۳۷-۱۳۳۲.

جدول ۷- ارزش واردات کالا طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۶۷ (بر حسب میلیون دلار)

شرح	سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	مجموع بر سال ۱۳۷۵ (درصد)
مواد غذایی و حیوانات زنده	۱۳۶۷	۳۷۹	۳۷۹	۲۱۸	۲۱۲	۲۷۶	۳۳۶	۱۳۹	۱۳۹	۱۳۷	۱۳۷
(فلات)	(۵۶۸)	(۱۸۵۶)	(۱۳۰۰)	(۱۶۵)	(۰۰۶)	(۱۳۶۶)	(۹۹۳)	(۹۹۳)	(۹۹۳)	(۹۹۳)	(۹۹۳)
مواد خام غیر خوراکی (به استثنای مواد نفتی)	۱۳۶۷	۳۹۲	۳۹۲	۷۵۳	۸۶۰	۷۵۸	۵۵۱	۶۹۹	۱۰۸۱	۱۱۹۲	۱۱۹۲
مواد معدنی، سوخت...	۱۳۶۷	۳۱۹	۳۱۹	۲۲۲	۳۸۵	۴۰۶	۳۸۳	۳۲۲	۳۲۲	۳۲۷	۳۲۷
انواع روشن‌های گیاهی و حیوانی	۱۳۰	۳۵۹	۳۳۳	۳۳۳	۳۷۸	۲۰۰	۳۳۱	۳۹۲	۶۱۰	۶۲۲	۶۲۲
انواع مواد شیمیایی	۱۳۰۲	۲۰۳۸	۲۸۷۶	۲۸۷۶	۲۸۸۲	۲۶۸۹	۲۰۳۳	۱۶۶۶	۱۳۷۸	۱۶۰۸	۱۶۰۸
کالاهای ساخته شده، کافه، مغز، پارچه، فلزی	۱۳۲۳	۲۵۵۳	۵۱۵۳	۵۱۵۳	۷۰۷۵	۵۵۰۷	۳۳۳۳	۱۶۵۴	۲۱۹۲	۲۰۲۷	۲۰۲۷
ماشین آلات و لوازم حمل و نقل	۲۸۰۲	۲۸۲۲	۶۱۶۴	۶۱۶۴	۱۳۹۲۲	۱۶۲۹۸	۱۰۰۳۶	۵۵۱۵	۳۸۱۵	۲۱۹۲	۲۱۹۲
(ماشین آلات غیر الکتریکی)	(۱۷۰۶)	(۲۰۵۱)	(۳۸۸۶)	(۸۵۶۶)	(۱۰۱۹۳۲)	(۹۶۵۴)	(۶۹۵۴)	(۶۰۵۴)	(۲۹۰۹)	(۳۳۴۱)	(۳۳۴۱)
کل واردات	۸۱۷۷	۱۳۸۰۷	۱۸۷۲۲	۲۹۶۳۷	۲۹۸۷۰	۲۹۸۷۰	۲۰۰۳۷	۱۱۹۹۵	۱۳۲۰۸	۱۳۹۸۹	۱۳۹۸۹

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی، خرداد، ۱۳۶۵-۱۳۶۵.

بیرونامه شماره

و طی سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۴ روندی نزولی مشاهده می‌شود. در پایان دوره سهم مذکور به قیمت‌های ثابت کاهش محسوسی داشته و به ۴/۹ درصد رسیده است. ولی به قیمت‌های جاری افزایش سهم در پایان دوره نسبت به اول دوره مشاهده می‌شود.

سهم ایران در کل ارزش واردات جهانی در سال ۱۳۷۰ به بالاترین سطح خود معادل ۰/۸۴ درصد رسیده است و با کاهش ارزش واردات ایران، با روندی کاهشی همراه شده و به کمتر از ۰/۳ درصد طی سال‌های بعد از ۱۳۷۳ رسیده است. سهم مربوط به سال ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) نسبت به اول دوره کاهش چشمگیری داشته است. چراکه ارزش واردات در کل جهان بیش از دو برابر رشد داشته است. حال آن‌که ارزش واردات ایران تنها ۶۱ درصد رشد نشان می‌دهد. کل ارزش واردات کشور طی دوره ۱۰ ساله ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۵ به حدود ۱۵ میلیارد دلار رسیده است. به نظر می‌رسد که واردات باید وابستگی شدیدی به مقدار ارز حاصل از صادرات داشته باشد. ولی با نگاهی به ترکیب اقلام وارداتی که عمدتاً کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای هستند (بیش از ۵۰ درصد) و هم این‌که اقلام مزبور عمدتاً در رابطه با تحقق اهداف طرح‌های بلندمدت عمرانی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند، این وابستگی مشاهده نمی‌شود. به طوری که طی سال‌های ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱، افزایش حجم واردات ماشین‌آلات لوازم

بر قیمت مواد اولیه وارد می‌سازند. عدم وجود قدرت چانه‌زنی در کشورهای صادرکننده مواد خام - به دلیل نیاز شدید به این ارز - حداقل باعث عدم مقاومت در برابر چنین فشارهایی شده است.

عملکرد بخش صادرات غیرنفتی کشور از دیدگاه دیگری نیز قابل تأمل است. تمرکز در زمینه کشورهای طرف قرارداد بالاست. طی سال ۱۳۷۵، سهم ۵ کشور آلمان، امارات متحده عربی، ایتالیا، ترکیه و سوئیس، بیش از ۵۵ درصد بوده است. در ارتباط با گروه کشورهای طرف قرارداد حجم صادرات به کشورهای عضو بازار مشترک اروپا بیش از ۴۰ درصد است. این سهم در رابطه با کشورهای اکو بسیار کمتر و معادل ۲۳/۳ درصد می‌باشد. با توجه به تمایل شدید ایران به همکاری‌های منطقه‌ای انتظار می‌رفت که این سهم بیش از این مقدار باشد.

لازم به ذکر است که تمرکز شدید در کشورهای طرف قرارداد به مفهوم وابستگی شدید به شرایط اقتصادی کشورهای طرف مقابل است. نوسانات اقتصادی این کشورها عامل عمده نوسانات تصمیم‌های صادراتی به ویژه کالاهای لوکس و گران‌قیمت است.

۲-۸- واردات

در زمینه سهم ارزش کل واردات از تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۵ دو دوره جدا از هم قابل مشاهده است. طی سال‌های ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۰ روندی صعودی

حمل و نقل و کالاهای ساخته شده صنعتی منجر به کسری تراز تجاری قبایل توجهی گردید. از سال ۱۳۷۲ با اتخاذ سیاست محدود نمودن ورود کالاهای لوکس و مصرفی، افزایش بازدهی طرح‌های عظیم تولید مواد اولیه و واسطه‌ای نظیر فولاد و پتروشیمی که منجر به کاهش واردات انواع مواد شیمیایی، کاهش واردات ماشین آلات سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز بخش‌های صنعتی گردید. روند نزولی واردات آغاز شد و با اتخاذ سیاست‌های جدید از سال ۱۳۷۳ به بعد به شکل محدود نمودن شرایط ورود کالا (به صورت واردات بدون انتقال ارز و واردات در مقابل صادرات)، افزایش محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای به کنترل‌های اداری شدیدتر، این روند شتاب بیشتری به خود گرفت و ارزش وارداتی را به سطح ارزش وارداتی سال ۱۳۶۸ کاهش داد و به این ترتیب نه تنها کسری تراز تجاری برطرف گردید بلکه مازاد تجاری معادل ۷۷ میلیارد دلار نیز ایجاد شد. بخشی از این مازاد مربوط به افزایش قابل توجه صادرات کالاهای غیرنفتی بوده که در پی اتخاذ سیاست‌های توسعه صادرات پدید آمده بود.

اعمال سیاست‌های مختلف اقتصادی از جمله تأکید بر تکمیل طرح‌های عمرانی قبلی و عدم اجرای پروژه‌های عمرانی جدید و رعایت اولویت‌های نسبی تعیین شده در اعطا و تسهیلات برای واردات کالا به ویژه کالاهای اساسی و کوهنی و جلوگیری جدی از ورود کالاهای لوکس و مصرفی غیر

ضروری نیز از عوامل مؤثر در روند کاهش واردات طی سال‌های ۱۳۷۲ به بعد محسوب می‌شوند.

حدود ۱۰٪ ارزش واردات کشور به کالاهای سرمایه‌ای (اعم از ماشین آلات و لوازم حمل و نقل) اختصاص دارد. ارزش واردات غلات (عمدتاً شامل کالاهای اساسی که پارانه به آنها تعلق می‌گیرد و از محل ارز با نرخ رسمی وارد می‌شوند) طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۲ یعنی برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی پیش از یک میلیارد دلار بوده است، گرچه بعداً کاهش شدیدی مشاهده می‌شود ولی طی سال ۱۳۷۴ به علت خشکسالی در داخل کشور دوباره افزایش نشان می‌دهد. بیش از نیمی از ارزش واردات انواع مواد غذایی به واردات غلات اساسی اختصاص دارد که قابل تأمل است.

علی‌رغم کاهش متوسط قیمت صادراتی طی دوره ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۴، متوسط قیمت وارداتی از روندی افزایشی طی سال‌های ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۲ برخوردار شده و پس از آن توأم با نوساناتی بوده است. این روند عمدتاً به خاطر ترکیب اقلام وارداتی کشور است که اقلام صنعتی برخوردار از ارزش افزوده بالا، بخش عمده آنها را شامل می‌شود.

درخصوص کشورهای طرف قرارداد مانند بخش صادرات تمرکز بالایی مشاهده می‌شود. کشورهای عضو بازار مشترک به ویژه آلمان، ایتالیا، فرانسه و انگلستان حدود ۵۰ درصد کل واردات ایران را تأمین



برنامه‌های صادراتی

صادراتی و کافی نبودن لوازم بسته‌بندی و مواد جنبی مورد نیاز برای ساخت و بسته‌بندی کالاهای صادراتی.

۷- تعدد مراحل و طولانی بودن تشریفات مربوط به گرفتن مجوزهای لازم برای صادرات.

۸- کافی نبودن تسهیلات زیر بنایی در رابطه با صادرات.

۹- عدم انطباق ساختار تشکیلاتی و سازماندهی مرکز توسعه صادرات ایران با نیازهای زمان حال و کمبود کادر تخصصی توسعه صادرات در این مرکز.

۸-۳- مشکلات موجود در بخش واردات
۱- فقدان برنامه مشخص در امر واردات کشور برای تأمین نیازهای واقعی جامعه.

۲- ورود کالاهای غیرضروری که مهم‌ترین عامل مصرف‌زدگی جامعه بوده است.

۳- ناهماهنگی واردات کشور با برنامه گسترش صنایع داخلی.

۴- احتکار، خارج کردن ارز و تقلب به وسیله برخی از واردکنندگان.

۵- تنوع بیش از حد کالاهای وارداتی و تحمیل هزینه‌های سنگین برای ورود این کالاها.

۶- وابسته بودن به چند کشور مبدأ به عنوان تأمین‌کننده بخش عمده واردات کشور.

۷- ناآشنایی واردکنندگان با منابع متعدد کالاها و ناهمخوانی از اطلاعات بازرگانی لازم در امر واردات.

می‌کنند. این سهم طی دوره ۱۳۶۵ الی ۱۳۷۴ روند افزایشی داشته است. حال آن که واردات از کشورهای عضو آکو، چنین روندی را نشان نمی‌دهد و سهم کشورهای عضو آکو، در واردات کشور به کمتر از ۷ درصد در سال ۱۳۷۴ رسیده است.

۸-۳- مشکلات موجود در بخش صادرات کشور

۱- عدم ثبات قوانین و مقررات مربوط به صادرات و تغییرات پی در پی این قوانین به نحوی که برنامه‌ریزی بلندمدت برای صادرات را در واحدهای تولیدی کالاهای صادراتی غیرممکن می‌سازد.

۲- نوسانات نرخ ارزهای معتبر بین‌المللی.

۳- فقدان اعتبارات صادراتی و مکانیسمی برای ضمانت صادرات.

۴- فقدان نظام اطلاعاتی منظم و مستمر برای انتقال اطلاعات مربوط به بازارهای عمده مصرف (عرضه و تقاضای کالاهای صادراتی) در سطح جهانی به تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشور (ضعف نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج و عدم تجهیز آنها به کارهای اقتصادی و...).

۵- تعدد مراکز تصمیم‌گیری در مورد صادرات و ناهماهنگی بین فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهایی که کار آنها به صادرات مربوط است.

۶- پایین بودن کیفیت اغلب کالاهای

جدول ۸- مقدار کل واردات کالا و متوسط قیمت واردات طی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۷۵

(واحد: هزار تن)

(قیمت: دلار برای هر کیلوگرم)

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵
واردات	۱۰۷۲۲	۱۹۲۴۱	۱۹۵۴۲	۲۳۰۴۴	۲۱۱۱۳	۱۸۰۶۹	۱۶۰۸۳	۱۶۲۹۴	۲۰۳۵۵
متوسط قیمت وارداتی	۰/۷۶	۰/۶۷	۰/۹۶	۱/۲۹	۱/۴۲	۱/۱۱	۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۷۲

منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۶۵-۱۳۷۵.

درخصوص صادرات نفت و گاز نیز عملکرد پنج ساله برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به میزان ۶۹۱۵۱ میلیون دلار بود، در حالی که در قانون برنامه اول رقم ۸۳۰۹۶ میلیون دلار به تصویب رسیده بود. براین اساس عملکرد برنامه حدود ۱۳/۹۲۵ میلیارد دلار کمتر از مصوب برنامه بوده است که این عدم تحقق حدود ۱۴ میلیارد دلاری را باید در تغییرات قیمت نفت و گاز و میزان فروش آن طی دوره برنامه جستجو کرد.

میزان واردات نیز طبق برنامه پنج ساله باید به ۱۲/۳ میلیارد دلار می‌رسید در حالی که میزان عملکرد وارداتی کشور در مجموع پنج ساله برنامه به ۱۱۱/۱۱۳ میلیارد دلار رسید که تا حدودی (در مقایسه با انحراف موجود در میزان تحقق صادرات) نزدیک به

۱. پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۹، صفحات ۳-۸.

۸- گسترش قابل توجه دخالت واسطه‌گران داخلی و خارجی در امر واردات.

۹- متعدد بودن شرکت‌ها و سازمان‌های واردکننده.

۱۰- نارسایی‌های گسترده مدیریت واردات کشور در تجارت نهائری سال‌های گذشته^۱.

۹- تحلیلی بر عملکرد بازرگانی خارجی در برنامه اول

مروری بر عملکرد صادرات طی برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حاکی از عدم تحقق اهداف برنامه در زمینه صادرات غیرنفتی، صادرات نفت و گاز و کل صادرات می‌باشد. چنانچه صادرات غیرنفتی براساس برنامه می‌باید در مجموع به ۱۷۸۳۶ میلیون دلار می‌رسید، درحالی که عملکرد برنامه حدود ۱۱۷۴۰ میلیون دلار بود که به میزان ۶/۰۹۶ میلیارد دلار کمتر از میزان مصوب برنامه بوده است.

برنامه‌ریزی

برنامه پنج ساله اول به جای ۴۴ درصد برنامه‌ریزی شده، تنها ۱۴/۶ درصد بوده است.

۱۰- تحلیلی بر عملکرد بازرگانی خارجی طی سال‌های اول و دوم برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

با توجه به اهداف کمی و کلان برنامه دوم توسعه، کل دریافت‌های ارزی حاصل از صادرات نفت معادل ۷۲/۶۵۸ میلیارد دلار و دریافت‌های ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی معادل ۲۷/۵۲۷ میلیارد دلار در کل دوره برآورد شده است. با عنایت به هدف تعیین شده در مورد میزان کاهش تعهدات ارزی کشور ۷/۲۰۶ میلیارد دلار، منابع ارزی برای واردات معادل ۹۱/۹۷۹ میلیارد دلار پیش‌بینی گردیده است. طی سال‌های برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳-۱۳۷۸)، متوسط نرخ رشد سالانه برای صادرات نفتی کشور ۳/۴ درصد، صادرات غیرنفتی ۸/۴ درصد و واردات ۴/۳ درصد در نظر گرفته شده است. ولی با توجه به عملکرد دو سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ بازرگانی خارجی باید گفت که واردات از متوسط نرخ رشدی معادل ۲۰/۷ درصد و صادرات از متوسط نرخ رشدی معادل ۰/۶ درصد برخوردار بوده است.

در مجموع باید گفت که عملکرد بخش بازرگانی در بعد واردات مثبت و در بعد

رقم مصوب برنامه بود و در کل پنج سال حدود ۳/۱۸۷ میلیارد دلار کمتر از میزان مصوب بوده است.

همچنین آمارهای موجود حاکی از آن است که سهم واردات کالاهای مصرفی در طی دوره مورد بررسی از ۱۸/۱ درصد به ۱۱/۱ درصد در انتهای دوره کاهش یافته و سهم کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای طی این دوره افزایش داشته است که این روند با مصوبات برنامه درخصوص سهم کالاهای مذکور مطابقت دارد.

در مجموع نکته برجسته‌ای که در عملکرد برنامه اول وجود دارد، انحراف زیادی است که در حجم صادرات غیرنفتی کشور از میزان مصوب آن وجود دارد؛ چیزی حدود ۶ میلیارد دلار. عدم تحقق این بخش را باید در عدم اجرا یا توفیق خط مشی‌های برنامه در بعد صادرات غیرنفتی دانست.

آمار و ارقام ارائه شده حاکی از آن است که عمده‌ترین درآمدهای ارزی غیرنفتی از خام‌ترین و ابتدایی‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، یعنی کشاورزی و مواد سنتی (قالی‌بافی) تأمین می‌شود. همچنین واقعیت دیگر در اقتصاد ایران آن است که صنعت، حتی به مفهوم ابتدایی و نیمه مکانیزه آن، هنوز نقش کوچک‌تری از بخش کشاورزی و صنایع دستی کشور دارد. میزان تحقق آن نیز از سایر موارد انحراف بیشتری دارد. به طوری که سهم کل صادرات صنعتی طی

جدول ۹- ارزش واردات به تفکیک گروه کشورهای طرف قرارداد

(واحد: میلیون دلار)

طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵

شرح	سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	مجموع
کشورهای عضو بازار مشترک	۳۶۰۶	۵۰۲۶	۸۲۸۹	۱۴۱۴۳	۱۴۶۲۰	۸۹۲۵	۵۲۲۸	۷۴۳۵	۲۹/۶		
کشورهای عضو اسکاپ	۳۰۳۵	۴۲۳۹	۶۶۷۹	۹۶۳۵	۱۰۷۶۲	۸۰۶۲	۴۶۰۷	۲۸۸۳	۳۹		
کشورهای عضو اکتو	۲۶۵	۸۴۴	۷۷۵	۱۲۰۲	۷۶۲	۷۴۸	۸۰۳	۱۰۵۰	۵/۱		
کشورهای عضو اروپک	۳۳۶	۱۱۴۲	۱۱۴۲	۱۱۴۲	۱۶۶۰	۲۳۹۳	۷۱۸	۶۳۵	۶/۳		
کل	۸۱۷۷	۱۲۸۰۷	۱۸۷۲۲	۲۹۶۷۷	۲۹۸۷۰	۲۰۰۳۷	۱۱۷۹۵	۱۲۲۰۸	۱۲۹۸۹	۱۰۰	

مأخذ: ۱- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۳.

۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمارنامه بازرگانی خارجی، ۱۳۷۴-۱۳۷۵.

مصرفی غیرضروری و افزایش نسبی درآمدهای حاصل از صادرات نفت باعث گردید که تراز تجاری مثبت شده و در زمینه بازپرداخت دیون خارجی کشور مورد استفاده قرار گیرد.

عملکرد منفی صادرات غیرنفتی، عمدتاً ناشی از عدم ثبات در قوانین و مقررات بوده است. اخذ پیمان نرخ ارز به‌ویژه بعد از یک دوره پنج ساله ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۳ که صادرات غیرنفتی دارای کمترین محدودیت‌ها در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی بوده، افزایش هزینه‌های تولید در داخل، عدم توان بخش صنعت در تولید کالای قابل رقابت و

صادرات غیرنفتی منفی بوده است. علی‌رغم کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت طی سال ۱۳۷۴، سیاست‌های اتخاذ شده در جهت تخصیص ارز جهت واردات به گونه‌ای اعمال گردید که بخش عمده ارز به سمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که در مجموع ۸۵ درصد از واردات کشور را تشکیل می‌دهند، سوق داده شد و این امر مانع از عدم رشد تولید ناخالص داخلی گردید. ضمن این که در بخش کالاهای مصرفی نیز بخش اعظم ارز به واردات اقلام ضروری و کالاهای اساسی اختصاص یافت. محدودیت واردات اقلام لوکس و

مورد توجه قرار گرفت. اصلاح قانون صادرات و واردات، اتخاذ سیاست‌های ارزی و تعرفه‌ای مناسب جهت ثبات سیاست‌ها و تشویق صادرات، حمایت از سرمایه‌گذاری در جهت افزایش ارزش افزوده صنایع تبدیلی، تقویت بانک توسعه صادرات، تعیین حدود میزان فعالیت بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، نظارت بر ارزیابی مستمر بر امور صادرات، توسعه مبادلات تهاتری غیرنفتی، منسجم نمودن تشکیلات موجود در امور صادرات زیر نظر یک کمیته مالی تحت عنوان شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی، فعال‌تر کردن دفاتر نمایندگی خارج از کشور، استفاده از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات، تشکیل و تقویت اتحادیه‌ها و تعاونی‌های صادراتی، اختصاص سهمی از تولید به صادرات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی خارجی برای ارزیابی و تبلیغات، برقراری مشوق‌های صادراتی در صورت لزوم و در نهایت بازبینی شرح وظایف سازمان‌های مرتبط با صادرات و اقدامات موازی و کاهش دیوان سالاری از مهم‌ترین سیاست‌هایی بود که جهت تحقق توسعه صادرات غیرنفتی در قانون برنامه دوم پیش‌بینی شده است.

اما اگر شاخص‌های آماری ارائه شده را بار دیگر مرور نمایم تنها یک نتیجه را می‌توان گرفت و آن هم عدم اجرای سیاست‌های فوق‌الذکر است. تغییرات پی

قابل عرضه در بازارهای جهانی و... و در یک کلام عدم وجود ساختار صادراتی در کشور که مسیر قبل از تولید تامصرف را به‌طور معنی داری به هم مرتبط سازد، مانع اصلی در سر راه رشد صادرات غیرنفتی بوده است. اگرچه به دلیل کاهش شدید صادرات فرش و پسته، سهم کالاهای صنعتی در سال ۱۳۷۶ به ۶۰ درصد می‌رسد ولی افزایش مطلق قابل توجهی صورت نمی‌گیرد.

این روند منفی باعث شد تا بر ثبات سیاست‌ها و مقررات تأکید ویژه‌ای صورت گیرد. دادن مجوز صددرصد واردات در قبال ارز صادراتی، واقعی‌تر شدن نرخ واریزنامه‌های پیمان، افزایش مهلت واریز ارز مربوط به پیمان ارزی، از جمله سیاست‌هایی بود که جهت بهبود بخش صادراتی اتخاذ گردید که عمدتاً مربوط به اواخر سال ۱۳۷۶ و اوایل سال ۱۳۷۷ می‌باشد. ولی با توجه به عدم وجود برنامه درازمدت صادراتی که تمامی ابعاد مربوط به این بخش به‌ویژه مسائل مربوط به بازار، رقبا، قیمت‌های جهانی، کیفیت و بازاریابی را پوشش دهد، تأثیر این گونه سیاست‌ها نیز در کوتاه مدت، اگر هم موفقیت‌آمیز باشد، حتماً مقطعی و موقتی خواهد بود.

چنانچه پیش‌تر نیز مطرح شد در قانون برنامه دوم با هدف کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای ارز حاصل از صادرات نفت، سیاست توسعه صادرات غیرنفتی

در پی درمقررات صادراتی به‌ویژه از سوی ستاد تنظیم بازار و بانک مرکزی، امکان یک حرکت مستمر را از بخش صادرات گرفته است.

شورای عالی توسعه صادرات نیز نتوانسته به‌طور کلیدی مشکلات مربوط به این بخش را برطرف نماید و از طرفی نیز تحت تأثیر تصمیمات روزمره قرار می‌گیرد. به علاوه مناطق آزاد نیز هنوز در صادرات کشور جایگاه ویژه‌ای نیافته‌اند.

۱۱- خلاصه، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق، تحلیلی از وضعیت بازرگانی خارجی کشور طی برنامه اول و دوم توسعه ارائه شد. در این راستا نخست به تبیین خصوصیات تجاری کشورهای در حال توسعه پرداخته شد تا سیر تحولاتی را که در استراتژی‌های تجاری کشورهای در حال توسعه ایجاد شده است دریابیم. از جمله خصوصیات تجاری کشورهای مذکور به وابستگی تجاری این کشورها به کشورهای پیشرفته و این مطلب که تجارت آنها عمدتاً مواد اولیه و محصولات کشاورزی و مواد خام و سوخت را شامل می‌شود و خصوصیتی که رابطه مبادله را به ضرر آنها تعیین می‌کند اشاره گردید. بنابراین تنظیم یک استراتژی تجاری مناسب در تدوین برنامه‌های توسعه این کشورها از اهمیت فراوانی برخوردار است.

سپس در تشریح استراتژی‌های تجاری کشورهای در حال توسعه به استراتژی جانشینی واردات و تشویق صادرات اشاره

شد. جانشینی واردات عموماً از جاذبه سیاسی بیشتری برخوردار بوده است. البته فوایدی هم داشته و برخی کشورها با استفاده از این استراتژی در مراحل توانسته‌اند سهم واردات به کل تجارت‌شان را کاهش دهند. اما اتخاذ آن با مشکلاتی همراه است از جمله این که کشورهای در حال توسعه وابستگی شدیدی به خارج از کشور دارند. دوم این که هزینه انجام آن سنگین است، چراکه صنایع را از حالت رقابت خارج می‌کند. به دلیل مشکلاتی که اتخاذ این سیاست ایجاد می‌نمود، کشورهای در حال توسعه به مرور به سمت سیاست تشویق صادرات که یک استراتژی صنعتی شدن هم محسوب می‌شود روی آوردند. در مقایسه با سیاست جایگزینی واردات، تشویق صادرات سیاستی در جهت توسعه بازار است. چراکه تأکید بیشتری بر محرک‌های قیمتی و اصل رقابت جهت تخصیص منابع دارد.

در بخش بعدی با ارائه جدولی، تجربه ۱۰ کشور از نظر نوع استراتژی تجاری متخذه و اثرات آن بر رشد اقتصادی و رشد صادرات آنها طی دوره‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفت. مقایسه عملکرد اقتصادی اجتماعی این کشورها همگی حاکی از توفیق استراتژی تشویق صادرات بوده است. برای مثال برزیل در دوره‌ای که سیاست جایگزینی واردات را اعمال می‌نمود، نرخ رشد متوسط سالانه اقتصاد آن از ۶/۹ درصد به ۴/۲ درصد کاهش داشت؛ در حالی که طی دوره‌ای که استراتژی



جدول ۱۰- مقدار مالیات بر درآمد به تفکیک نوع مالیات طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۲

سال	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	سهم از کل مالیات
مالیات بر واردات	۱۴۶	۳۵۰	۵۰۲/۴	۹۵۲	۱۲۲۵/۳	۱۱۲۳/۴	۱۲۸۴/۲	۱۲۵۰	۱۷/۱
مالیات کل	۳۴۱	۵۲۸	۷۷۱	۱۳۶۹/۲	۱۷۸۲/۲	۱۴۴۵/۶	۱۶۳۶/۶	۱۶۶۴/۲	۲۲/۸
غیر مستقیم	۹۸۶/۵	۱۱۸۷/۸	۱۶۹۵	۲۷۶۵	۳۷۷۶	۴۰۶۱	۵۲۹۱	۷۳۱۳	۱۰۰
مالیات مستقیم	۱۷۵۶	۳۵۹۳	۶۷۹۲	۹۷۴۹	۱۲۳۱۹	۲۱۲۳۱	۲۳۷۸۵	۲۳۰۸۵	
و غیر مستقیم									
کل ارزش وارداتی									

مأخذ: ۱- شامل مالیات بر واردات و مالیات بر مصرف و فروش کالا می‌باشد.

۲- ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵-۱۳۷۴.

سرانجام در بخش انتهایی تحقیق به ارائه عملکرد بخش تجارت خارجی کشور در بعد صادرات و واردات پرداخته و ضمن ارائه سهم‌های مختلف و توزیع جغرافیایی صادرات و واردات و موارد دیگر تصویر روشنی از عملکرد بخش مزبور ارائه شد. اگر بخواهیم عمده مسئله موجود در این عملکرد را متذکر شویم باید به معضل «صادرات غیرنفتی» کشور اشاره نماییم که علی‌رغم آن همه خط مشی‌ها و تدابیری که در طول برنامه‌ها اندیشیده می‌شود همچنان در سطح نازلی قرار دارد. به طوری که در طول یک دوره ۹ ساله از برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یعنی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۵ ارزش کل صادرات غیرنفتی به حدود ۲۴ میلیارد دلار رسید. متوسط سهم سالانه صادرات غیرنفتی از کل

گسترش یافت. در سال ۱۳۷۲ نیز به کلیه صادرکنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان اعم از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد تا مواد اولیه و سایر لوازم مورد نیاز را با تأیید وزارتخانه ذی ربط در قبال ارز حاصل از صادرات با استفاده از اعتبارات اسنادی یا به صورت بدون انتقال ارز وارد نمایند. در سال ۱۳۷۴ جهت گسترش صادرات غیرنفتی به واحدهای تولیدی صادراتی تحت پوشش وزارت صنایع اجازه داده شد تا ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات محصول خود را که به سیستم بانکی فروخته‌اند به تشخیص وزارت صنایع صرفاً جهت تأمین واردات اقلام مورد نیاز واحدهای تولیدی خود با رعایت سایر مقررات مربوطه استفاده نمایند.

صادرات کشور طی ۹ سال مذکور حدود ۱۵/۵ درصد بود که در شرایط موجود اقتصاد کشور و کاهش چشمگیر درآمدهای نفتی، عزم و اراده‌ی راسخی را برای رشد صادرات غیرنفتی طلب نموده و صادرات غیرنفتی را از مهم‌ترین مسائل کشور در بعد تجارت خارجی قرار می‌دهد.

بنابراین مروری بر عملکرد بخش تجارت خارجی چنانچه در این تحقیق انجام پذیرفته است ما را متوجه بحرانی در بخش تجارت خارجی می‌کند و آن بحران «صادرات غیرنفتی» است. در انتها ضروری به نظر نمی‌رسد که تحلیل عملکرد مجدداً ارائه شود ولی نتیجه نامطلوبی که در عملکرد وجود دارد این سؤال را مطرح می‌سازد که این مشکلات در چه سطحی از «برنامه تا عمل» ریشه دارد.

اگر به اهداف دو برنامه رجوع کنیم اساساً برنامه اول را با استراتژی «تشویق صادرات همراه با محدودیت واردات» و گرایش برنامه دوم را بیشتر به استراتژی‌های «پرونگرا می‌یا بیم» [در حد هدف‌گذاری‌های دو برنامه].

بنابراین برنامه اول تنها گرایش به تشویق صادرات و محدودیت واردات داشته و برنامه دوم نیز بیشتر به تشویق صادرات اهمیت داده است. ولی در هیچ کدام از این برنامه‌ها استراتژی تجاری شناخته شده‌ای رسماً اعلام نشده است. البته این احتمال وجود دارد که ما با مطالعه و

بررسی دقیق مقتضیات اقتصاد ایران، نوعی استراتژی را خارج از قالب‌های معمول آن در ادبیات توسعه مطلوب تشخیص دهیم ولی به هر حال این امر نیز طبق تحقیق فعلی مشخص می‌شود که آنچه که تدوین شده با استراتژی‌های معمول مطابقت کاملی ندارد.

مروری بر خط مشی‌های برنامه نیز در توضیح عملکرد ضعیف صادرات غیرنفتی می‌تواند مفید باشد. به‌طور مثال در خط مشی‌های مربوط به تشویق صادرات در برنامه دوم بر استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات و صادرات مجدد، فعال کردن دفاتر نمایندگی‌های خارج از کشور و سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران برای صادرات، برقراری مشوق‌های صادراتی و برده‌ها حمایت دیگر تأکید شده است که همگی آنها فی‌نفسه می‌تواند تشویقی برای صادرات غیرنفتی کشور باشد. با توجه به این که خط مشی‌های مذکور همگی می‌توانند حمایت‌های مثبت و بعضاً با اهمیتی برای تشویق صادرات تلقی شوند، بنابراین بخشی از عملکرد ضعیف صادرات غیرنفتی (و احتمالاً بخش مهمی از آن) را می‌توانیم به عدم اجرای موفق خط مشی‌های مذکور نسبت دهیم که البته بررسی مشکلات اجرایی هر یک از خط مشی‌های مذکور مجال و فرصت فراوانی می‌خواهد که در این مختصر نمی‌گنجد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق

پیشنهادهای زیر قابل ارائه است:

۱- اقتصاد ایران اتکای زیادی به درآمدهای نفتی دارد و این امر کلیه برنامه‌های توسعه کشور را تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد. اکنون که برنامه‌ها و بحث‌های وسیعی برای حرکت به سمت اقتصاد غیرمتکی به درآمدهای نفتی مطرح می‌باشد لازم است که طراحی و تعیین مشخص استراتژی تجاری کشور در اولویت قرار گیرد تا در چارچوب استراتژی مشخص، سیاست‌های تجاری کشور تنظیم شود. در صورت فقدان یک استراتژی مشخص، بی‌ثباتی در سیاست‌های تجاری، عوارض وسیعی را بر تجارت خارجی و اقتصاد داخلی خواهد داشت.

۲- مطالعه و بررسی‌های انجام شده درخصوص تجربه کشورهای در به کارگیری استراتژی‌های تجاری مختلف، حاکی از توفیق استراتژی تشویق صادرات می‌باشد. براین اساس لازم است ضمن انجام مطالعات لازم درخصوص مناسبت این استراتژی با شرایط اقتصاد ایران تجربه موفق آن را در سایر کشورها مورد توجه قرار دهیم. در صورت اتخاذ این استراتژی می‌توان از سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز استفاده نمود. به علاوه همانند عملکرد کره از مشوق‌های سیاست پروتکرای توسعه نیز بهره برد. از جمله دسترسی به

وام‌های مشمول یارانه برای صادرات، دسترسی به مواد واسطه‌ای و خام برای فعالیت‌های صادراتی، کاهش مالیات‌های غیرمستقیم کالاهای صادراتی و کالاهای واسطه‌ای، کاهش مالیات‌های مستقیم بر درآمدهای صادراتی، نظام ارتباط صادرات و واردات.

۳- استراتژی تشویق صادرات با ابزارهای متعددی قابل تحقق است. در بین این ابزارها روش ارتباط صادرات و واردات می‌تواند مورد توجه بیشتری قرار گیرد چراکه انگیزه‌های برای افزایش صادرات به صادرکننده می‌دهد. همچنین می‌تواند نوع واردات را هدایت نموده و به سمت کالاهای مورد نیاز صنایع داخلی سوق دهد. بنابراین می‌تواند ابزاری دو منظوره تلقی شود که بدون تحدید مستقیم واردات، هم تشویقی برای صادرات است و هم کنترلی بر نوع واردات.

۴- گسترش صادرات غیرنفتی مستلزم ورود به بازارهای جهانی است. برنامه‌ریزی در این خصوص باید از جنبه‌های مهمی برخوردار باشد. از جمله باید موارد ذیل را مورد توجه قرار داد:

الف- روابط تجاری با کشورهای دیگر به‌ویژه در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای در اولویت جدی‌تری قرار گیرد.

ب- تولید و صادرات صنعتی به عنوان

منابع و مأخذ

- ۱- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۷۴-۱۳۷۸).
- ۳- سازمان برنامه و بودجه، پوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، (۱۳۶۸-۱۳۷۲).
- ۴- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۶۸، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در مجمع عمومی، ۱۳۶۹/۵/۳۱.
- ۵- گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های ۱۳۶۹، ۱۳۷۲، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی، سازمان برنامه و بودجه، تیر ۱۳۷۶.
- ۷- گمرک جمهوری اسلامی ایران، آمار بازرگانی خارجی، ۱۳۷۰-۱۳۷۵.
- ۸- گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالنامه آماری بازرگانی خارجی، ۱۳۶۷-۱۳۷۶.
- 9- Economic and Social Survey of Asia and the Pacific, United Nations, New York: 1998.
- 10- Carbough, "International Economics", 1992.
- 11- Harry G. Johnson, "Economic Nationalism and Economic Progress", The World Economy, No. 3, (1987).
- 12- Mancur Olson, Jr, "Distinguished lecture on Economics in Government", Journal of Economic Perspectives, Volume. 10, NO.2- (Spring 1996).

- کالاهایی با ارزش افزوده بالا باید در سیاست کلی کشور مدنظر باشد و همه بخش‌ها جهت تحقق آن متعهد شوند.
- ج- پذیرش ضوابط و معیارهای تولید بهتر و رعایت مقررات جهانی به‌ویژه مقررات کار، استاندارد و محیط زیست بین‌المللی الزام‌آور شود.
- د- سیاست واگذاری بخش‌های تولیدی و خدماتی به بخش‌های خصوصی و قانونی و ارائه خدمات کلان از سوی دولت به مورد اجرا گذارده شود.
- ه- بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی کشور برای به راه انداختن صنعتی که دارای توان ارائه تولیدات مورد نیاز داخلی و تولیدات صادراتی باشند به خدمت گرفته شوند.
- و- ایجاد تسهیلات برای جذب مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی با هدف انتقال تکنولوژی.
- ز- تنظیم روابط اقتصادی، فرهنگی، فنی، خدماتی، سیاسی و حقوقی در چارچوب سیاست توسعه صادرات از طریق جلوگیری از تصمیمات روزمره و متمرکز کردن کل سیاست‌گذاری‌ها در یک واحد مرکزی با حضور بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی به‌طور فعال.
- ح- برای همسو کردن فعالیت وزارتخانه‌ها به‌ویژه وزارت بازرگانی، صنعت و معدن باید اقدام جدی صورت گیرد.